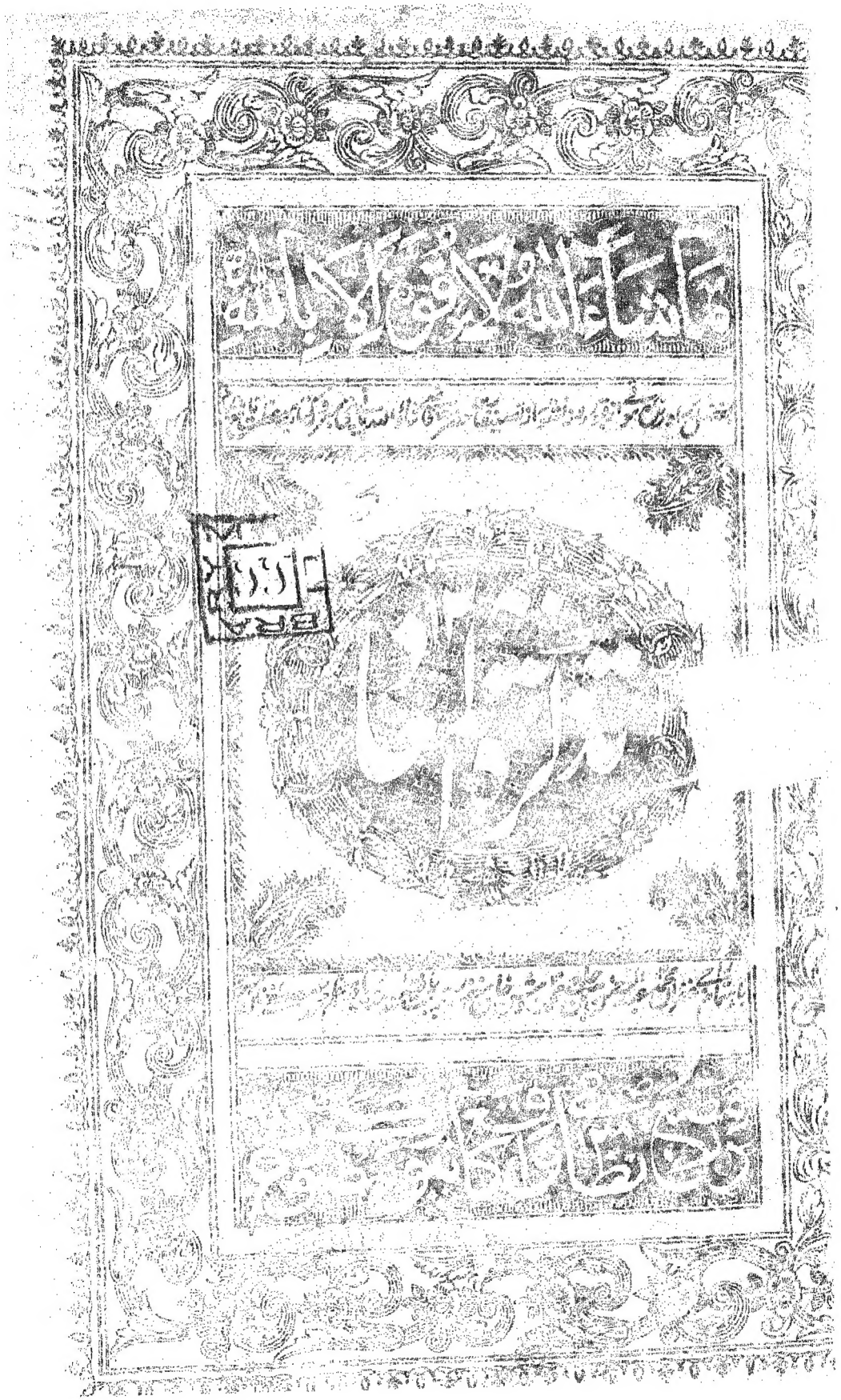

M.A.LIBRARY, A.M.U.
PE4476
ف
۲۹۷۶۴
ش ۱۳۴۲
م ن
۴۴۷۶

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الله و بحمده زهی صانعی که از خاک و نطفه انسان را بوجود آورده کن فیکون شیئاً مذکوراً و مظهر جلال و جمال خود و متصف بصفات کمال ساخته جعله سمیعاً بصیراً و با این همه ضعف و ناتوانی و جهل و نادانی بار امانت را که زمین و آسمان تاب تحمل آن نیاورد متحمل ساخته ذلك على الله يسيراً و هر یک را بخود راهنمونی فرموده اما شاكراً و اما كفوراً نعمت و موهبیان امانت جنات النعیم مرتب ساخته و ذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً و برای کافران که از نعیم مقیم و رب کریم رو گردانی کردند عذاب الیم مقرر ساخته سلاسلا و اغلالا و سعیراً و از کمال رافت انبیاء و رسل فرستاده مبشراً و نذیراً و تکمیل دین متین و تتمیم نعمت عظیم فرموده ببعثة خاتم النبیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه وسلم داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً اللهم صل و سلم و بارك علیه و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی الملئکة المقربین و علی آله و اتباعه و اصحابه و اجبائه الذین یوفون بالنذر و یخافون یوماً کان شره مستطیراً

بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی مجددی می نگارد که خوف طمع از جناب اعلی مطلوب حقیر است و صاحب از جمیع مکاره و سیئات ست و اطلاع بر احوال قیامت مثمر این مکالمات لهذا این فقیر خیلی وقت در دین خود بزبان فارسی باستخاب و اقتباس از بدور السافره تصنیف امام همام علام شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

CATALOGED 1999-07

ابی بکر السیوطی رحمة الله علیه بنویسد تا عامهٔ مومنین ازان متمتع شوند و این عاصی را بدعای حسن خاتمه و مغفرت ذنوب امداد و اعانت فرمایند والله المستعان وعلیه التکلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صغری در صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جهل زیاده شود و زنا و شرب خمر بسیار باشد و زنان بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه بر پنجاه زن یک مرد قیم باشد و در صحیحین از عبد الله بن عمرو از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که علم از سینهای مردم مخواهد شد لیکن علما بمیرند و سرداران جاهل باشند بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و احمد و غیره از زیاد بن لبید روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه نباشد ما قرآن میخوانیم و پسران خود را می آموزیم و آنها پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود من ترا دانا می دانستم نمی بینی یهود و نصاری توریت و انجیل میخوانند و بران عمل نمیکنند و مسلم از جابر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در دعگویان بسیار باشند و بخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که کارها بسپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که مردم از کثرت بلا آرزوی موت کنند و ترمذی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده وقتیکه مال غنیمت را سرداران دولت خود دانند و مردم امانت را غنیمت شمارند و زکوة را تاوان دانند و علم را برای دنیا آموزند و مرد فرمان بر داری زن و نافرمانی مادر کند و یار را نزدیک و پدر را بعید کند و در مساجد آوازها بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و ارازل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان را گرامی کرده شود و مطربها و معازف علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر امت اول امت را لعن کنند پس منتظر باشند در انوقت بادی را که سرخ رنگ باشد و زلزله و خسف و مسخ و قذف و دیگر علامات قیامت پی در پی آیند چنانچه رشته گسسته شود و دانها که دران منتظم باشند فرو ریزند و ترمذی از علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده کم زیاده ازین و دران پوشیدن حریر هم گفته

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابو داود از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل پر کند یعنی از جور پر شده بود و ابو داود از علی رضی الله عنه
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید ست چنانچه رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام نبی شما باشد مشابه باشد آنحضرت را در خلق
نه در خلق ابو داود و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده در صفت مهدی کشاده پیشانی
بلند و باریک بینی و ابو داود و ازام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بادشاهی
آنزمان مردی از اهل مدینه برآید و بسوی مکه گریخته رود او را مردم برای خلافت برازند و او کاره باشد
و در میان رکن و مقام با وی بیعت کنند پس لشکری از طرف شام بروی فرستاده شود پس آن لشکر
در میان مکه و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و عصائب از عراق آمده با وی بیعت کنند
پس مردی از قریش برآید که اخوال او از بنی کلب باشند مهدی بر وی لشکر فرستد و بروی غالب شوند
و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عمل کند و اسلام در روی زمین بگیرد و هفت سال بادشاهی
کند پس بمیرد و مسلمانان بر وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شده
زمین را از عدل پر کند و اهل آسمان و زمین از و راضی باشند آسمان در بارید و زمین در رویانید
کمی نکند مردم آرزو کنند و گویند در اینوقت اگر مردگان هم زنده بودندی خوش آسایش کردندی و حدیث جابر
در صحیحین ست که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت کند بهر دوست و مسلم از ابی هریره روایت کرده از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم که قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود بحدیکه مرد زکوة بزر دو نیابد کسی را که قبول زکوة کند
نوع دوم در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اول آیا
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض وقت چاشت هر یکی که از اینها باشد دوم
قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً
مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۝

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم برای
مردم دابة الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم بآیات ما یقین نمیداشتند و در قرارتی غیر متواتر تکلمهم
بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه بآیات خدا یقین نداشتند
ابن عباس گفته که هر دو باشد تا مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات صحاح احادیث
اختلاف نیست در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحیه و سائر بدن او
مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهارپایه باشد و در مکه از کوه صفا برآید ابن عباس در حج بر
کوه صفا عصا کوفت و گفت که دابة الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد
عبد الله بن عمر گفته که سر او با بر رسد و پای او هنوز در زمین باشد و بغوی از ابی شریح الانصاری از ابی کلان جسم ۱۲
آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که دابة الارض سه بار خارج شود اول در یمن ذکر او در صحرا باشد
و دوم ذکر او در سه باز در صحرا قریب مکه برآید و ذکر او در مکه رسد سوم بار در مکه برآید سر خود را از خاک افشاند
و بر مردم گذرد بسرعتی که کسی از وی گریختن نتواند و سخن گوید مسلمان را یا مومن و کافر را گوید یا کافر و در روایتی
آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی بر پیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ مومن
نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل کوکب درخشان و کافر را نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود بعد ازان مردم بشناسند و در بازار گویند ای مومن خوش بخت
سعید هی و در بعضی روایات آمده که خروج دابة الارض بحضور عیسی علیه السلام باشد عیسی مسلمانان در طواف باشند
که زمین بلرزد و صفا شگافته شود و دابه برآید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
و خروج دابه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دابة الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند
و هیچ کافر بعد ازان ایمان نیارد و ترمذی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده قسم بکسی که جانمن در دست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و دست
تازیانه و شراک نعل کلام کند و ران او خبر دهد بچیزی که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حذیفه بن
اسد غفاری از رسول صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که ده چیز پیش ازان

بظهور آیند دخان و دجال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب و نزول عیسی علیه السلام و یاجوج و ماجوج و سه خسف یکی در مشرق دوم در مغرب سوم در جزیرهٔ عرب و آخر همه آتشی از یمن بر آید که مردم را بسوی محشر براند یعنی زمین شام و در روایتی دهم بادی تند وزد که مردم را در دریا افگند و مسلم از ابی ذر از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و دجال و دابة الارض هرگاه ظاهر شود بعد ازان ایمان کافر و توبه مقبول نباشد و بغوی و غیره از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که علامات قیامت اول دخان ست و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن که مردم را بسوی محشر براند حذیفه گفت یا رسول الله دخان چیست آنحضرت این آیه خواند فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ فرمود دخان از مشرق تا مغرب در گیرد و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت مستی روی دهد از بینی و گوش و دبر دخان برآید و ابن مسعود ازین معنی انکار کرده در صحیح بخاری ست که ابن مسعود گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آن حضرت دعا کرد قحط بحدی شد که مردم استخوان خوردند و از شدت گرسنگی آنها را از زمین تا آسمان دخان نظر می آمد لیکن بروایت حذیفه وغیره معلوم میشود که دخان هم از علامات قیامت باشد وبه قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری

فصل قصهٔ دجال از رسول صلی الله علیه وسلم در صحیحین وغیره آمده که چشم راست او کور باشد و در بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر مرقوم باشد هر کس از مسلمانان خواند کاتب باشد یا نباشد جوان باشد ژولیده موی از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از یهود اصفهان بادی باشند هر سو فساد کند چهل روز باشد یک روز برابر سال روز دوم برابر ماه و روز سوم برابر هفته دیگر ایام مانند سائر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله دران روز که برابر سال باشد ما را نماز پنجگانه کفایت کند فرمود نه اندازه کرده بخوانده باشید و مثل باد تند در زمین سیر کند بر جماعتی آید که من بپروردگار شما ام باو ایمان آرید آنها ایمان آرند پس آسمان را بگوید باران ببارد و زمین را بگوید پس زراعت پیدا شود و مواشی آنجماعه فربه و شیر دار شود و بر قومی دیگر بگذرد و آنها را همچنان گوید

ل پس منتظر باش روزی که بیارد آسمان دودی ظاهر که فروگیرد مردمان را این عذاب دردیست بسزا

ل ۲ دوم قال سنن عبد الله بن عباس و عبد الله بن عمر و حسن بصری رضی الله تعالی عنهم اجمعین

ل ۳ یعنی در زمان چهل روز باشد

آنها سخن او را رد کنند پس مالهای شان هلاک شود و بر زمین خراب بگذرد و بگوید که خزانهای خود بیرون آر
خزانهای زمین بگشود و او کنند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجا میروی گوید بسوی
این شخص که برامده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گوید پروردگار ما پوشیده نیست
گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
نکشید پس او را حضور او برند چون مرد مومن او را ببیند گوید این دجالست که رسول صلی الله علیه وسلم
ازان خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنید او را بگیرند و بزنند و بگوید که ایمان بمن آر او گوید
که تو مسیح دجال هستی آنزمان امر کند که او را از سر تا قدم از اره دو پاره کنند و خود از میان هر دو قطعه
بگذرد پس او را بگوید که برخیز او زنده شود و برخیزد پس گوید که حالا ایمان بمن می آری مومن گوید که حالا
زیاده تر تراد انستم که تو دجال هستی مومن گوید که ای مردمان حالا اینچنین با کسی نخواهد کرد پس او را دجال
بگیرد و خواهد که ذبح کند حق تعالی گردن او از مس گرداند کارد کار نکند پس دست و پایش گرفته بر تابد مردم
دانند که بسوی آتش برتافته است و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه وسلم
فرمود که آنکس بزرگتر باشد در شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم جنت
دانند جهنم ست و چیزی را که جهنم دانند جنت ست و در روایتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده
که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در دی کامل باشد او را شمشیر زند دو قطعه کند پس او را بخواند
او برخاسته بیاید آنزمان بخندد و خوش شود در همان حال عیسی علیه السلام هر دو دست بر
بالهای دو فرشته نهاده بر منارهٔ سفید شرقی دمشق فرود آید درحالیکه چون سر فرود کند قطرها
از سرش افتد و چون سر بالا کند ازان مثل دانهای مروارید فرو ریزد کافر گر بسوی او رسد بمیرد و
دمش رسد جائیکه نظر او رسد پس در پی دجال شود و او را نزد باب لد که دهیست نزدیک بیت المقدس
دریابد و او را بکشد پس مسلمانان که از دجال محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر انها
شفقت فرماید و بدرجات جنت بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی وحی کند که برادران
از بندگان خود بندگانی که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

یاجوج و ماجوج را فرستد که از هر بلندی به پستی می آیند پس پیشروان آنها بر دریای طبریه بگذرند
تمام آب آنرا بنوشند چون پس آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند
آنها تا کرسند بجبل خمر که کوهی ست نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین را کشتیم باشد که اهل آسمان را
بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون بازگرداند و نبی الله عیسی
علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کله گاو نزد آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس
روی آرند نبی الله و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی کرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
بمیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یک وجب زمین از مردار و بدبوی یاجوج و ماجوج
خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی دعا کنند حق تعالی جانوران بفرستد که گردنهای آنها
مثل شتران بختی باشد آنها را برداشته جائیکه خدا خواهد بیندازند و کمانهای و تیرهای و ترکشهای شان
آنقدر باقیماند که تا هفت سال مسلمانان مسوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از خشت
یا پارچه و پشم پناه ازان باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آئینه پس
بفرماید حق تعالی زمین را که ثمرها رویاند و برکت باز دهد پس دران روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
بخورد و از پوست آن سایه کنند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیر دار کفایت کند
جماعات کثیره را و گاو ماده شیر دار یک قبیله کلان را و بز ماده شیر دار کفایت کند قبیله خورد را
همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر بغلها بگیرد ازان باد همه مسلمانان
بمیرند و کفار باقیمانند باهم اختلاط کنند مثل خران برانها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال
از مشرق بقصد مدینه آید و پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته ملائکه
روی او را بسوی شام گردانند در آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هر که دجال
دریابد آیات اول سوره کهف بخواند از شر او ایمن باشد و بیهقی از ابی هریره روایت کرده که
دجال برخر باشد میان دو گوش آن خر هفتاد باع فاصله باشد باع مقدار قدآدم ست و در
صحیح مسلم قصه تمیم داری ست ازان معلوم می شود که دجال موجود ست محبوس ست

در جزیرهٔ دریای شام یا دریای یمن و دخول مکه و مدینه دجال را میسر نه شود

فصل در صحیحین از ابی هریره مروی ست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که قریب ست که فرود آید عیسی بن مریم حاکم عادل بشکند صلیب را که نصاری آنرا می پرستند و بکشد خوکان را یعنی حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهد بر نصاری و غیره کفار ازینجا معلوم میشود که نصاری بر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشوند و مال بسیار تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و مافیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جهان را گذاشته شود کسی بر وی سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود امیر آنوقت بگوید که شما امامت کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکرام این امت و ابن جوزی از عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستر بمیرد و با من در قبر من دفن کرده شود و روز قیامت من و عیسی بر خیزیم درمیان ابی بکر و عمر. لیکن در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر و از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست که بودن عیسی در زمین چهل و پنج سال ست از انجمله سی و هشت سال پیش از رفتن بسوی آسمان و هفت سال بعد نزول

فصل از ابی هریره در صحیحین مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که پیش از قیامت فرات گنجی بیرون نهاد از زر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که نگیرد از آن و روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده که فرات کوهی از زر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قی کند زمین جگر گوشهای خود را مانند ستونها از زر و نقره پس قاتل حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

نگیرد واین ہمہ دو حدیث برازمنہ مختلفہ حمل کردہ شود شاید کہ در ابتدا برای گرفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی
قبول نکند واللہ اعلم وسلم از عبد اللہ بن مسعود وانس وغیرہما روایت کردہ کہ قیامت نخواہد شد
مگر بر بدترین خلق کسی در زمین اللہ اللہ نگوید بعد وفات عیسیٰ مسلمانان از بادی لطیف بمیرند در مردم معروف
ومنکر را نشناسند وشیطان متمثل شود و بہ بت پرستی دلالت کند ولات وعزی در ذوالخلصہ را پرستند
آنزمان نفخ صور شود و ہر کہ شنود کج کند گردن را پس بمیرند واللہ اعلم نفخہ اول ست کہ ازان بمیرند و در
حدیثی آمدہ کہ نفخہ اول نفخہ فزع ست کہ ازان نفخہ اہل آسمان و زمین در فزع و دہشت آیند ازان نفخہ کوہہا
بہ پرند و مثل ریگ شدہ بریزند و زمین در لغزش آید چنانچہ کشتی در دریا میلرزد و مردم از لغزش زمین
مضطرب شوند و زمین خزائن و مردگان را کہ در زمین باشند بیرون افگند و زنان باردار اسقاط حمل
کنند و بچگان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از ہول بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکہ
روہای شان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند و بعضی بعضی را ندا کنند آنزمان زمین بشگافد و آسمان
مانند دردی شود پس بشگافد و ستارگان بریزند و شمس و قمر بی نور شوند اینہمہ عذاب بر شرار
خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد ہمدرین حال چندی باشند پستر حکم شود باسرافیل را کہ باز در
صور بدمد دران دم ہمہ بمیرند از انس و جن و شیاطین بعدہ ملائکہ بمیرند تا کہ باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل و حملہ عرش پستر حکم شود جبرئیل و میکائیل بمیرند پستر حاملان عرش بمیرند
و عرش را حکم شود صور را اسرافیل بگیرد و اسرافیل بمیرد حق تعالی بفرماید
لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ کسی جواب دہندہ نباشد خود بگوید لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

باب دوم در احوال روز بعث و نشور کہ پنجاہ ہزار سالہ باشد تا دخول جنت و نار

بعد نفخہ ثانیہ یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چہل سال بگذرند باران از عرش فرو ریزد بر زمین تا چہل روز
تا کہ آب بالای زمین دوازدہ گز شود و ازان آب حق تعالی اجساد مردگان را بروياند چنانچہ سبزہ
از زمین میروید چون جسدہای آدمیان کامل شود چنانچہ بودند حق تعالی زمینی دیگر از نقرہ پیدا کند و

آسمانی دیگر از زر پیدا کنند و مردگان را ازین بزمین بران بزمین اندازد بر پشت زمین و در شکم زمین بستر
حق تعالی اول حاملان عرش را زنده کند پستر حق تعالی اسرافیل را زنده کند او صور از عرش بگیرد و
بر لب نهد پستر جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان را زنده کند ارواح را طلب فرماید ارواح مومنان
بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد
پس بحکم خدا اسرافیل صور بدمد ارواح باین نفخه که دوم باشد یا سوم مانند نحل از صور برایند و بحکم الهی
هر یک روح در جسد خود داخل شود از راه بینی و زمین بشگافد و مردگان از زمین بیرون ایند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم اول کسی که از زمین برآید من باشم پستر همه مومنان از قبور برایند مومنان وقت برخاستن گویند
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرٌ و کافران وقت برخاستن
گویند یٰوَیْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ
هر جماعتی برانگیخته شود با اهل عمل خود صالحان با صالحان و فاسقان با فاسقان و کافران با کافران رسول
فرمود صلی الله علیه وسلم مبعوث کرده شوم من روز قیامت در میان ابوبکر و عمر پس برایم بسوی
بقیع پس من و بقیع با من جمع شوند پستر بیایند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس حشر کرده شود بر عملی که
بران مرده باشد شهیدان چون مبعوث شوند از زخمهای شان خون براید که در رنگ مثل خون و بوی مانند
مشک باشد و هر که در حج مرده تلبیه گویان برخیزد و هر که در شراب خواری مرده در مستی برخیزد و همچنین صاحب
هر عمل نیک یا بد در صحیحین آمده که همه کسان برهنه غیر مختون برخیزند اول کسی که پوشانیده شود ابراهیم
علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از بهشت پوشانیده شود پستر رسول کریم صلی الله علیه
وسلم به بهتر ازان پستر دیگر رسل و انبیا پستر پوشانیده شوند مومنان و در بعضی احادیث آمده که مردگان
در همان پارچه که مدفون شدند برانگیخته شوند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه شهادت
مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مبعوث شوند پستر آن پارچه دور شود و در حشر
گردند پستر هر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه ست حق تعالی
میفرماید وَلِبَاسُ التَّقْوٰی ذٰلِكَ خَيْرٌ پستر رسول صلی الله علیه وسلم بر براق سوار شود

وحسنین بر ناقه رسول کریم سوار شوند پیشتر متقیان را برنا قهای بهشت یا زینهای طلا و مهارهای زبرجد
سوار کرده بمحشر برده شوند و فاسقان را پیاده پا برند و کافران را بر رویهای شان کشیده برند و در
حدیثی آمده که هرگاه مردم از قبور برایند عمل او بر صورت انسانی بادی ملاقات کند عمل مسلمان
نیکترین صورت و خوشترین بوی بگوید مومن را که مرا می شناسی گوید نمی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه
خوش داده است ترا صورت و بوی بگوید که همچنین بوی تو در دنیا من عمل صالح توام در دنیا بسیار
بر پشت تو سواری کرده ام حالا تو بر من سوار شوی یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَٰنِ وَفْدًا
کنایه ازان است و عمل کافر بدترین صورت و بدترین بوی بادی ملاقات کند و بگوید که مرا می شناسی
گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو و بوی تو بگوید همچنین بوی تو در دنیا
من عمل بد توام بسیار سواری کردی تو بر من اکنون من بر تو سوار میشوم وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ
عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ عبارت ازان است و چون از قبور روان شوند فرشتگان نویسندگان نیکی و بدی
همراه باشند و شاهد باشند بر انها مسلمانان را گویند لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ وَأَبْشِرْ بِالْجَنَّةِ
الَّتِي كُنْتَ تُوعَدُ یعنی خوف مکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده بود
کافران و فاسقان بر صورتهای زبون باشند نابینا و بعضی بر صورت خوک یا سگ یا بوزنه
مانند آن باشند در با خواران مانند دیوانگان استادن نتوانند و آنانکه مال یتیمان بظلم خورده باشند
چون از قبور برخیزند شعله آتش از دهان شان براید قال الله تعالی إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا
متکبران بر صورت مورچها باشند هر کس آنها را پایمال کند و هر که بدون حاجت سوال کند چون
از قبر برخیزد بر روی او مضغه گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمان به نیم کلمه تکلم کند نوشته شود بر پیشانی او
ناامید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه بزاق انداخته بزاق او بر روی او باشد هر که دروغ داشته باشد
و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد هر که در دنیا دو زبان باشد او را حق تعالی دو زبان دهد
از آتش هر که مقدار یک وجب زمین غصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت طبقه طوق در گردن
سازد همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمت مشترط باسپ یا زیاد دیگر مال

خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی بر گردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد
تکلیف داده شود که این عمارت را بر دوش خود بردارد هر که زکات مال نداده باشد زر و سیم او را آتش دوزخ
گرم کرده او را داغ داده شود و شتران و گاوان و گوسفندان را اگر زکات نداده باشد آن جانوران تا
پنجاه هزار سال بروی بگذرند و او را پایمال نمایند هر که حاکم باشد اگرچه برده کس حکم رانده باشد آورده شود
او را دست او بگردنش بسته اگر نکوئی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی و ظلم کرده باشد طوق
بگردنش کرده شود هر که از مسئله سوال کرده شود و او جواب مسئله میداند و پوشیده دارد او را از آتش
لگام داده شود و هر که در قرآن بغیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش لگام داده شود و اسلام و قرآن و اعمال صالحه شفاعت
کنند و در ثواب قاریان قرآن او را در و پدرشان را حلها پوشانیده شود و تاج بر سر نهاده شود در رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
از آتش بپرهیزید بگویید سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله الله اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس روایت
کرده که روز قیامت دنیا را بصورت پیرزنی سفید موار رزق چشم کریه المنظر آورده شود او را خلائق
ببینند و گفته شود که این را میشناسید مردم گویند نعوذ بالله من معرفة هذه گفته شود
که این دنیاست که بدان تفاخر میکردید و با هم حسد و قطع رحم مینمودید و بغض میکردید پس او را در
دوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار اتباع و پیروان من کجا هستند حکم شود که اتباع و
پیروان او را نیز با وی بیندازند شعر بروز حشر شود همچو روز معلومست * که با که باخته عشق در شب دیجور
و بیهقی از عباده بن الصامت و عمرو بن عبسه روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا برای
خدا است آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خدا است در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هر که وصل کرده الهی
باو وصل کن و هر که قطع کرده الهی از وی قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت
و رحم و ایام دنیا و موت و مانند آن بر صورت اعیان محشور شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال
صورتهای خوب و از اعمال بد صورتهای قبیح پیدا کنند و در میزان نهند و اصحاب کشف این همه احادیث را بر صورت مثالیه
حمل میکنند لیکن ایمان بدان باید آورد و جزم بچیزی از آن تاویلات نتوان کرد و بحث از آن نباید نمود

فصل در ذکر کوثر چون مردم از قبور برایند تشنگی برایشان غالب باشد و هر پیغمبر را در آن روز حوضی باشد و
هر امتی را علامتی باشد که نبی شان ازان علامت امت خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه و
سلم را حوضی باشد بنام کوثر یعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکماهه راه باشد آب آن سفید تر از شیر و
شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و بران آب کوزها باشند مانند ستارگان و
زمین او از یاقوت و مرجان و زمرد باشد و دران دو میزاب از بهشت افتند و علامت امت
آنسرور صلی الله علیه وسلم آن باشد که روشن باشند اعضای وضو ازایشان و علی بن ابی طالب
رضی الله عنه ساقی باشد هر که ازان آب دادآنکس باز تشنه نشود بعضی علما گویند که ورود
بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی کسان را وقت
برخاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب معاصی در آنوقت آب نداده شود بعد خلاصی از دوزخ
پیش از دخول جنت داده شود تشنگی برداشتن در صوم سبب خوردن آب کوثر باشد مشرکان را
آب کوثر در نصیب نیست و علما گفته اند که اهل هوا یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانندشان
نیز از آب کوثر محروم باشند و اهل کبائر را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر رسد

فصل چون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار فرشته
وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلائق باشد بجنبد و حمله کند بقسمی که انبیا و ملائکه از خوف وی
بر زانوها افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه وسلم امتی امتی گوید حق تعالی فرماید
أَوْلِيَآءِي مِنْ أُمَّتِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ سرد خواهم کرد چشم ترا در حق امت تو
یا محمد و آفتاب نزدیک شود دران روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود مردم در عرق
غرق شوند بقدر گناهان شان بعضی تا شتالنگ و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علما گفته اند
که این از خوارق آن روز ست که در زمین برابر مستفاد در عرق غرق شوند و دران روز سایه اعمال صالحه
باشد بسبب اعمال صالحه دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا
و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصا لله و حسن اخلاق و صله رحم و مانند آن در سایه عرش خدا باشد

کسانیکه خالصا لله نی واسطهٔ قرابت و مانند آن باهم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا
دوست سازند دران روز آنها را حق تعالی بر منبرهای نور نشاند که انبیا و شهدا ازان غبطه کنند و کسانیکه علم دینی
بمردم آموزند آنها را حق تعالی بر منبرهای زر زیر قبهها از سیم بنشاند که مرصع باشد مروارید و یاقوت و پوشش
آن قبهها از سندس و استبرق باشد چون در انروز مردم در عرصات در عرق غرق و محبوس باشند و از
طول انتظار آرزو کنند که ازان مقام رهائی یابند اگرچه بدوزخ روند آنزمان شفیع طلب کنند اول از آدم پستر از نوح
پستر از ابراهیم پستر از موسی پستر از عیسی شفاعت خواهند کسی از انها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه
پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت برخیزد و پیش عرش مجید آمده سر بسجده نهد آنگاه
فرشته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یارب وعده کرده بودی بمن بقبول شفاعت شفاعت من
قبول کن و در میان خلائق قضا کن حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و برای قضای امی آیم رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم پس همراه مردم باستم ناگاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان پایین فرود آیند و زمین از انها پر شود
از جن و انس که در زمین باشند از همه شان افزود باشند و صف بسته بایستند پستر اهل آسمان دوم
بسیار زیاده از اهل زمین و اهل آسمان اول پستر اهل آسمان سوم زیاده از دو همچنین جمیع اهل آسمانها فرود آیند
هر یک زیاده از ما سبق پستر حق تعالی نزول فرماید فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ مراد از نزول والله اعلم
نحوی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص فرماید هر بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر
انسانی عصفوری را عبث بکشد عصفور فریاد کند یارب این شخص مرا بی فائده کشت نخورد و
نه منفعت گرفت و نه زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی الله علیه وسلم زنی بسبب گربه
در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه واگذاشت تا از حشرات زمین بخورد و شخصی
شتربی را علف نداد آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت
خواهد کرد چون قصاص جانوران تمام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید کاشکی
من هم خاک میشدم پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلب کند و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید
رسانیدم امت او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشما رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیا

وامتان شان سوال کنند کافران منکر شوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی اللہ علیہ وسلم
شاہد ماست امت محمد صلی اللہ علیہ وسلم را طلب کنند ایشان شہادت دہند کہ انبیا راست میگویند گفتہ شود
کہ شما از چہ دانستید گویند کہ پیغمبر ما کتابی از تو آورد و خبر داد کہ انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید کہ راست
گفتید و پیغمبر ما صلی اللہ علیہ وسلم گواہی دہد بصدق امت خود در رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم کہ سہ عرض
شود در روز قیامت اول آنکہ کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا
علیہم السلام عذر تعذیب آنہا ظاہر کند و حجت بر دشمنان قائم کند سوم آنکہ نامۂ اعمال ہر یک بدست ہر کہ آید
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم میفرماید کہ نامۂ اعمال ہمہ زیر عرش باشند حق تعالی بادی بر انگیزد کہ نامۂ اعمال
ہر یک پیدہ بدست او افتد مومنان را در دست راست و کافران را در دست چپ از پس پشت اول سطر
آن باشد اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا یعنی بخوان نامۂ اعمال خود را
کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کنندہ و در حدیث آمدہ کہ خوشی ست کسی را کہ در نامۂ او استغفار بسیار باشد
و اعضای انسان بر وی شہادت دہند بر اعمال او و مکانہا و زمانہا بر وی شہادت دہند آنزمان
آدم علیہ السلام را حکم شود کہ از اولاد خود برای دوزخ جدا کن گوید چہ قدر حکم شود کہ از ہزار کس یکی
بہشت و نہصد و نود و نہ بدوزخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در آن سنجند
میزان را لسان باشد آنچہ در دست میگیرند دو پلہ باشد بقسمیکہ اگر آسمانہا و زمینہا در آن سنجیدہ شود
گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیہ السلام باشد کافران را در میزان مطلقا وزن نباشد
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ در حق شان ست در صحیحین از ابی ہریرہ مروی ست کہ رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم
آنکہ آورده شود مردی فربہ و تازہ و او را بقدر پر پشہ وزن نباشد و این آیت خواند فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا و در حدیثی دیگر آمدہ کہ جزای حسنات کفار در دنیا دادہ شود و برای آخرت
او را ہیچ حسنہ باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پلہ ترازو نہادہ شود و سیئات در پلہ دوم پس
اگر سیئات از حسنات زیادہ باشد اگر حق تعالی خواہد ببخشد و اگر خواہد عذاب کند و اگر از سیئات
یک حسنہ ہم زیادہ شود آن حسنہ را حق تعالی فراخ کند و او را بہشت برد و بزرگ و بہتری از انس

روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون ابن آدم سنجیده شود اگر میزان او ثقیل شود
فرشته ندا کند همه خلق بشنوند این شخص نیک بخت شد بد بخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او
سبک شود بگوید که این کس بد بخت شد هرگز نیک بخت نخواهد شد در احادیث آمده سُبْحَانَ اللهِ
نصف میزان وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ پر می میزان است وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ راجح تر است از جمیع خلائق
وَاللهُ اَکْبَرُ همچنین ولد صالح کسی میرد و صبر کند و درود بر رسول صلی الله علیه وسلم فرستد دیگر حسنات
موجب ثقل میزان اند و ذهبی از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سیاهی
علما با خون شهیدان روز قیامت وزن کرده خواهد شد سیاهی علما بر خون شهیدان افضل باشد و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را روز قیامت در میزان حسنات کم دیده شود ناگاه مثل ابرها در میزان او
آیند گفته شود این چیست گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از و جاری مانده
و از ابی الدرداء مرویست که هر که را همت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون مردم
بمحشر جمع شوند و کفار از مومنین ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ برآید
خزنه دوزخ او را بکشند او بگوید قسم بعزت پروردگار من بگزارید مرا با ازواج من گویند ازواج تو کیستند
گوید هر متکبر جبار نافرمان پس برچیند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیند و در شکم خود کند و باز همچنین کند و بگوید
بگزارید مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج تو گوید کُلُّ خَتَّارٍ کَفُوْرٍ یعنی عهد شکن ناسپاس
آنها را بچیند و در شکم گیرد باز مرتبه سوم همچنین کند و گوید بگزارید مرا با ازواج من گویند آنها کیستند
گوید کُلُّ مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ یعنی معجب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش برآید که
آزاد و چشم باشند و زبانی فصیح و بگوید که من امر کرده شده ام برای کسی که با الله معبود دیگر گیرد
و هر جبار عناد کننده ناحق و هر کسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را برچیند بیش از
دیگر آدمیان بپانصد سال و ابن مرجان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان
بدوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند دو قسم را گردنی از دوزخ برآید و برچیند چنانچه کبوتر دانه
می چیند اول آنکسان باشند که کافر باشند بخدا از راه تکبر و انکار دوم آنقسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جهل و غفلت پرستش گفته شود که هر کس که با خدا دیگری را پرستش کرده است با معبود خود شود آفتاب پرستان
پیروی آفتاب و آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان
خود داخل دوزخ گردند و گویند لَوْ كَانَ هٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا یعنی اگر اینها معبود بحق بودی
داخل دوزخ نشدی پس جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیا را تکذیب میکنند و
در صفات آلهی براه جهل فتند چنانچه کفار یونان پس قسم خامس و سادس یهود و نصاری باشند
در محشر تشنه لب باشند گفته شود چه حال دارید گویند تشنه لبیم ما را آب دهید گفته شود بروید
و اشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید دران افتند و برو اتی آمده
که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک فرشته بصورت عیسی برای نصاری و یک فرشته بصورت
عزیر برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رساند فقیر گوید ظاهر از یهود و
نصاری آنست که پرستش عیسی و عزیر کرده در فرقهٔ رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی و عزیر را
رسول دانستند و پرستش آنها نکردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه وسلم کافر شدند آنها
در فرقهٔ خامسه و سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان و درمیان شان منافقان باشند
حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند
والله که ما سوای خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام بگویند
که منتظریم ما که حق تعالی را بعلامتی که میشناسیم ببینیم آنزمان حق تعالی تجلی کند بنهجی که ازان تعبیر فرموده
یَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وحکم کرده شود بسجود و مومنان مخلص بسجود روند
و منافقان را پشتها مثل شاخهای گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجود نتوانند کرد در دوزخ
انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده شود
اول سوال کرده شود از خونریزیها مقتول گوید یارب ازین بپرس که مرا چرا کشته حق تعالی بپرسد
حال آنکه او دانا تر است غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را تا که عزت مرترا باشد حق تعالی فرماید
راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان مشایعت او کنند و ببهشت رسانند

همراهی کردن ۱۲

دیگر قاتل گوید کشتم او را تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید هلاک شدی تو فرستاده شود بدوزخ پستر در
دیگر مظالم حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را از
آب جدا کن و سوال کرده شوند مردم از صحت بدن و سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید و سوال کرده شوند
از علم که بران عمل کردند یا نه و سوال فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده ندارید خیانت در علم سخت تر است
از خیانت در مال حق تعالی ازان سوال خواهد کرد فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
کرده خواهد شد و از ازواج و از اموال و مملوک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن هست اگر دران نقصان خواهد بود فرائض را بنوافل جبر نقصان
کرده خواهد شد پستر دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجهٔ قبول
در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا بترسد و بداند که او ضامن هست اگر بخوبی امامت کرد
او را ثواب باشد مثل ثواب مقتدیان و هر چه نقصان کنند برگردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
از پارچه که بدان ستر عورت کند و از پارچه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدر یکه از گرمی و سردی پناه کنند
و سوال کرده خواهد شد از آنکه با که دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی
خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از بادشاهان
و قاضیان و حاکمان و سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زنان که در مال
و اولاد شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
فرشتگان را از آن گناه فراموشی دهد و همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهندگان را
فراموش سازند و اگر مسلمانی را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری و یا پای او خلد او را موجب اجر داند و صبر
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از جزا گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب وزن اعمال
اگر از حقوق الله چیزی بر ذمهٔ او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد ببخشد و ستر عیب کند
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بندهٔ مسلمان را روز قیامت
از خود نزدیک کند و بگوید نامهٔ اعمال خود بخوان چون بر حسنه آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

قبول کردم او بسجده رود و چون برخواندن گناه رسد غمگین شود و بترسد حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم
باز بسجده رود و مردم ازوی هیچ نه بینند مگر سجود و با هم مردم گویند چه غوش ست این مرد هیچ گناه
نکرده ست و نمیدانند که درمیان او و حق سبحانه چه گذشته و این را حساب یسیر گویند زاکم از
عائشه رضی روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت اَللّٰهُمَّ حَاسِبْنِيْ حِسَابًا يَسِيْرًا چون از نماز فارغ شد
گفت یارسول الله حساب یسیر چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامهٔ اعمال به بیند او را ببخشد
مَنْ نُوْقِشَ فِي الْحِسَابِ يَا عَائِشَةُ هَلَكَ و اگر زیاده فضل فرماید عوض گناه ثواب نیکی دهد حق تعالی
میفرماید يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّاٰتِهِمْ حَسَنَاتٍ و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که مردی را روز قیامت آورده شود و صغائر گناه بروی عرض کرده شود او بدان اقرار کند و بترسد
واز کبائر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب نیکی دهند آنگاه آمنروبطمع ثواب گوید که مرا
دیگر گناهان هم هستند که نشمرده شده اند سید الرسل صلی الله علیه وسلم ازین سخن خندید که دندان مبارک
ظاهر شد و ابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را روز قیامت نامهٔ اعمال
او داده شود او بالای صحیفه سیآت خواند و ترسان باشد و پایین صحیفه حسنات خواند باز چون بالای
صحیفه نظر کند بجای سیآت حسنات نوشته بیند و از ابی هریره روایت کرده که میگفت بعضی مردم
روز قیامت دوست دارند که سیآت بسیار میکردیم و آنها آن کسان اند که يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّاٰتِهِمْ
حَسَنَاتٍ در شان آنهاست در بنمقام دو توجیه میتوان کرد یکی آنکه بندگان خاص بمجرد صدور معصیت
آنقدر ندامت میکشند و در جناب الٰهی تضرع و التجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند و فتح باب رحمت
مینماید دوم آنکه کسانیکه غرق دریای عشق و محبت الٰهی هستند در غلبهٔ حال گاهی از انها اعمال صادر میشود
که میزان شرع سنجیده نمیشود و مثل سماع و وجد در رهبانیه مبتدعه و ترک جمعه و جماعات در اربعینات و
کلمات شطحیه حق تعالی این چنین اعمال را نظر بر عشق و محبت شان ثواب حسنات دهد مولوی رومی میفرماید
مثنوی هرچه گیرد علتی علت شود × ور کفر گیرد کاملی ملت شود × کار پاکان را قیاس از خود مگیر ×
گرچه ماند در نوشتن شیر و شیر × هست زهر مار او و بدل شد کار او × لطف گشت و نور شد هر نار او ×

۱ ف خذ حساب کن
من حساب آسان ۱۲
۳ برکه خصومت
ده شد در حساب
ی عائشه هلاک شد ۱۲
۳ بل گفته حق تعا
گناه ان ایشان را بنیکیها ۱۲
۵ سماع سر دوشیدن
وجدی سر دوشیدن
آمده ۱۲
۶ وجد فرض کردن حال
۷ رهبانیت بدعت
۸ ای در دنیا در ترک دنیا
۹ کرا در شرع بران حامل شده
۱۰ کلمات شطحیه
۱۱ کلمات که حال
دارد شود
۱۲ بی اصل عامل شرع
۱۳ بنشد

وانچه در حدیث ابی ذر آمده که صغار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود
معنیش آن باشد که عوض صغار ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزور تقدیر از بینچنین
کبیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و نبخشد و انچه از حقوق عباد اگر بر ذمهٔ کسی باشد هرگز نبخشیده نشود
بلکه حسنات مدیون بدائن و ظالم بمظلوم داده شود و اگر حسنات او تمام شود دیون و حقوق او
بروی باقی ماند سیآت دائنان و مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدوزخ فرستاده شود
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نباشد که بمیری و دین کسی بر تو باشد در آخرت درم و دینار نباشد
در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیآت بسوی نهاده شود و فرموده که اگر در راه خدا کشته شود
و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامهٔ اعمال
گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود دوم بابت حقوق الله حق تعالی در
بخشیدن حق خود باک ندارد سوم ظلم عباد دران قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس آنست
که نماز و روزه و غیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و
دیگری را خون ریخته و دیگر بیرا زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده او را بدوزخ انداخته شود لیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهائی دهاند رسول فرمود صلی الله علیه و
سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر
در نیت ادا نباشد قصاص بحسنات و سیآت کند و معهذا اگر دین برای اسراف بر خود کرده باشد
البته ماخوذ شود و اگر بنا بر ضرورت یا برای تقویت بر جهاد یا برای تعفف در نکاح یا برای تکفین
مردهٔ فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت ادا دارد حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
تفضل کند مظلومان را با نعامات خوش کند تا که او را ببخشند و او را با خود ببهشت برند

فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب ببهشت داخل کند و ایشان را از
حساب معنی ندارد و در صحیحین از ابن عباس مروی ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم عرض کرده شد

برمن امتهای انبیای سابق بابعضی ازپیغمبران یکدرمومن ست وبابعضی دومرد وبابعضی کسی نیست
وبابعضی جماعتی ست ودیدم سواد کثیر که افق را پرکرده وهر سو همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
امت تست باایشان هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم آنها کسانند که افسون نکنند وداغ نکنند وتطیر نکنند وبر خدا توکل کنند عکاشه
رضی الله عنه گفت من هم از انجماعه باشم فرمود باشی مردمی دیگر گفت من هم باشم فرمود
عکاشه سبقت کرد وهمچنین در صحیحین از ابی هریره ونزد مسلم از عمران بن حصین آمده ودر حدیث
ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار کس
از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند وبا هر هزار کس هفتاد هزار کس باشند وسه حثیات از
حثیات پروردگار وحثی چیزی را گویند که در دو کف شخص آید ودر حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
وغیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند روی شان مانند ماه شب چهاردهم باشد پس
زیاد طلب کردم از خدا پس زیاده کرد حق تعالی با هر کس ازان هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس ودر حدیثی
آمده کسانیکه حمد خدا کنند در راحت ورنج داخل بهشت شوند بغیر حساب ودر حدیثی آمده که شهدای فی سبیل الله
داخل بهشت شوند بغیر حساب ودر حدیثی آمده که شب خیزان ودر حدیثی اهل فضل واهل صبر ومتحابون فی الله
داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی برانها ظلم کند صبر کنند وکسی باایشان
بدی کند ایشان ببخشایند وکسی باایشان جهل کند ایشان تحمل نمایند واهل صبر آنهاستند
که بر طاعت خدا واز معصیت صبر کنند ومتحابون فی الله آنهاکه برای خدا باهمه دوستی کنند
ودلی علاقه دنیا الله ملاقات نمایند ودر احادیث آمده هرکه در رنج ومصیبتها صبر کند وهرکه
در حج وعمره بمیرد واهل عرفان واحسان وطالبان علم وزنی که فرمان بردار زوج باشد وولد نیکی کند
باوالدین وکسی که از فقر جامه نکو ندارد وطعام دو قسم نتواند خورد وشراب دو قسم ندارد وکسیکه
بدنیا رغبت ندارد وکسیکه از خوف خدا بگرید بغیر حساب داخل بهشت شوند واضیهانی از انس رض
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم چون میزانها قائم شوند اهل نماز واهل روزه

واهل حج راثواب داده شود ومیزانها واهل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نهاده شود ونه
دفتر اعمال برای آنها کشاده شود وزبخته شود برانها ثواب بغیر حساب تا آنکه اهل عافیت تمنا کنند
آنکه بدنهای شان در دنیا بمقراضها بریده میشد حق تعالی میفرماید اِنَّمَا یُوَفَّی الصّٰبِرُوْنَ اَجْرَهُمْ
بِغَیْرِ حِسَابٍ یعنی جزاین نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بغیر حساب پستر چون
کافران راحکم بدوزخ ومومنان راحکم برفتن بسوی بهشت شود مومنان راحق تعالی موافق اعمال
شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه وبعضی رامثل درخت خرما وکمترین نور کسی را
باشد که نوراو در زانگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود وگاهی پوشیده وکافران ومنافقان را
نور نباشد قال الله تعالی وَمَنْ لَّمْ یَجْعَلِ اللّٰهُ لَهٗ نُوْرًا فَمَا لَهٗ مِنْ نُّوْرٍ ودر بعضی احادیث
آمده که منافقان را هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود ومنافقان مومنان را گویند که
نظر کنید بما تا هم از نور شما روشنی گیریم مومنان گویند اِرْجِعُوْا وَرَآءَكُمْ فَالْتَمِسُوْا نُوْرًا یعنی
باز گردید پس پشت خود جائیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه در
دنیا روید آنجا ایمان واعمال صالحه کسب کنید که این نور از ان ست آنگاه مومنان را دیواری
مثل دیوار قلعه پیش آید دران دیوار دری باشد مومنان ازان در گذرند ومنافقان بیرون در
باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت وبیرون آن عذاب دوزخ منافقان
مومنان را آواز دهند آیا ما با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن شما
نفس خود را در فتنه یعنی کفر ومعصیت انداختید که عقائد فاسده واعمال خبیثه اختیار نمودید
ظاهر اد رآیات واحادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنگسانند
که در باطن کفر دارند وبنا بر تقیه واستهزا کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور ایمان
ست وایمان بقلب تعلق دارد ودر احادیث که وارد شده که منافقان را نور منطفی شود
مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد روافض وخوارج ومعتزله ومانند شان که
نور ایمان آنها از زود بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود نور تمام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کهف
خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان نور باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد
روز قیامت و فرموده ذکر کننده در بازار را از هر مو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که
سختی از مسلمانان دور کند او را مشعله باشد از نور بر صراط که از آن روشنی پذیرد عالمی که احاطه
نکند آنها را مگر رب العزت و فرمود که پرهیز کنید از ظلم بدرستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت

فصل چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ پلی باشد
که آنرا صراط گویند باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر و بران پل گلوبها و خارها باشد کافران و منافقان
در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان ازان بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل برق
و بعضی مثل باد تند و بعضی مثل اسپ تیز رود و بعضی مثل شتر تیز رود و بعضی مثل پیاده جلد رود
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخزلی و وقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی بسبب
گناهان خود در دوزخ افتند در حدیث آمده که هر که واسطه شود بسوی پادشاه برای حاجت برآری مسلمانان
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخولی صدقه دهد بخولی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هر که مردم را سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم آموزد بگذشتن زدن بر صراط دیر نکند و از وهب بن منبه مروی است
داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد رو تر بر صراط که باشد فرمود کسانیکه از حکم من راضی باشند
و زبان شان بذکر تر باشد و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از سعید بن ابی هانی روایت کرده که صراط
روز قیامت بر بعضی مردم باریک تر از مو باشد و بر بعضی مثل وادی پهن تر حق تعالی میفرماید
وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ۝ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ
الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ۝ یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود دوزخ را هست این امر بر پروردگار تو
لازم حکم کرده شده پستر نجات دهیم متقیان را و بگذاریم ظالمان را در آن بر زانو افتاده مراد از ورود جهنم
همین گذشتن ست بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند ای پروردگار

وعده کرده بودی بورود دوزخ ما دوزخ را ندیدیم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شده
وطبرانی از یعلی بن امیه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمان را
گوید که زود بگذر ای مومن که نور تو آتش مرا سرد کرده در حدیث آمده که هر که سه کس از اولاد او پیش از بلوغ مرده باشند
وارد دوزخ نشود و گذرنده گذر رود در حدیثی آمده که هر که نگهبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود
مگر تحلة القسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون مومنان
از آتش نجات یابند حبس کرده شوند بر پلی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
از بعضی در مظالم چون ازان پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد صلی الله علیه وسلم در دست اوست که هر یک
از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بزنگنار همان صراط برای
قصاص باهم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سوای آن قصاص باشد که پیش از
صراط شده آن قصاص بدخول دوزخ باشد و این قصاص بحبس باشد از دخول جنت تا وقتیکه مهذب شود

فصل جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی
دخول جنت نتوانند کرد در قلعه که میان بهشت و دوزخ باشد محبوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوری ست میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهگارانند
که محبوس باشند بحکم خدا بر سر دیوار اعراف برامده دوزخیان را بسیاه روئی و بهشتیان را بسفید روئی
بشناسند چون بسوی اهل بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از
حال شان پناه جویند بخدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد قوله تعالی أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ
أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ
و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن نافرمان پدران
باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه گوشت
و چرب شان خشک شود آنزمان حق تعالی برحمت خود آنها را داخل بهشت کند ازین حدیث مستفاد چنانست

کہ از شہادت ہر چند گناہان آمرزیدہ شوند کہ السیف محی الذنوب آمدہ اما حقوق العباد آمرزیدہ نشود
و ابن مسعود رضی اللہ عنہ گفتہ کہ ہر کس را کہ حسنات او از سیآت بیک حسنہ بیفزاید داخل بہشت شود
و ہر کہ سیآت او از حسنات بیک سیئہ افزاید داخل دوزخ شود و ہر کہ حسنات و سیآت او برابر باشد
آنہا بر صراط محبوس باشند آنہا اہل اعراف اند نور مومنان مومنان را بہ بہشت رساند و نور منافقان
منطفی شود و اصحاب اعراف را نور منطفی نشود لہذا طمع دخول جنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند
غرضکہ اعراف را منزلہ بین المنزلتین نباید دانست چنانچہ بعضی اہل اہوا گفتہ اند چرا کہ در اعراف خلود نیست

فصل شفاعت اکرم الرسل صلی اللہ علیہ وسلم و دیگر انبیا و صدیقان و شہدا و اولیا و علما و صلحا و
طفلان کہ صغیر مردہ باشند و شفاعت اعمال صالحہ از تلاوت قرآن و نماز و روزہ و صدقہ و مانند آن
حق ست ہر کرا حق تعالی اذن کند و ہر وقت کہ اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی اللہ علیہ وسلم سورہ ملک را گفتہ ہِيَ الْمَانِعَةُ هِيَ
الْمُنْجِيَةُ مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رہائی یابند و بعضی را در بہشت بشفاعت درجات عالیہ
میسر شوند رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم کہ حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکہ نصف امت من
و بروایتی دو ثلث امت من بغیر حساب و عذاب داخل بہشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود
شفاعت اختیار کردم و آن برای ہر مسلمان باشد درین باب احادیث بسیار ند و فرمود صلی اللہ
علیہ وسلم کہ شفاعت من باشد برای کسانیکہ گناہ کبیرہ کردہ باشند و فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
خوب مردم من برای بدان از امت خود مردم گفتند چگونہ یا رسول اللہ فرمود بدان بشفاعت من در
بہشت روند و نیکان با عمال خود روند و فرمود کہ شفاعت کردہ باشم تا آنکہ گویم کہ ای
پروردگار شفاعت من قبول کن در حق ہر کس کہ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ گفتہ حق تعالی فرماید قسم بعزت من
و جلال من کہ ہیچ کس را در دوزخ نگذارم کہ لا الہ الا اللہ گفتہ باشد و فرمود علیہ السلام کہ ہر کہ اذان
شنیدہ گوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ تا آخر او را شفاعت من باشد

وفرموده هرکه ثابت باشد بر سختی مدینه و آنجا باشد برای او شاهد و شفیع باشم
وفرموده هرکه در مدینه یا بمیرد او را شفاعت کنم و فرموده هرکه برای زیارت
من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده هرکه زیارت قبر من کند واجب باشد
بر من شفاعت او و فرموده بسیار درود بفرستید بر من بروز جمعه و شب جمعه هرکه چنین کند او را
شاهد باشم و شفیع و فرموده هرکه ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد
و فرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که درود بر من بسیار فرستاده باشد
و فرموده که هرکه بعد نماز این دعا خواند اللهم اعط محمدا الوسیلة واجعله فی المصطفین
محبته وفی العالین درجته وفی المقربین ذکره واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله
علیه وسلم و فرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه دوم قدریه
مرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت و بگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه
فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون توبه مخلد فی النار باشد و فرموده
که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی بادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و برابد یعنی اهل اهوا
مثل روافض و خوارج و مانند آنها و فرمود که جدال بگذارید جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی انچه
خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در ان جدال نباید کرد و فرمود اول شفاعت کننده و شفاعت
قبول کرده شده من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد پستر شفاعت صدیقان پستر شفاعت شهدا
و بروایتی اول شفاعت انبیا پستر شفاعت علما پستر شفاعت شهدا پستر شفاعت مؤذنان و فرمود عالم
و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شو و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی
از ابن عمر مرویست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگرچه عدد ستارگان باشند و
فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که شهید شفاعت کند در هفتاد کس از اهل بیت خود و فرمود که حاجی که در
چهارصد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت کند برای یکصد و مردی برای دو کس و
سه کس روز قیامت و مردی باشد که بشفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل ربیعه و مضر داخل بهشت شوند

فرموده که مردی از اهل جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان تو مرا شناسی
گوید نی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آمرزش خدا را سوال
کند او از آتش برآید مردی مردی را گوید من ترا آب وضو داده بودم مردی دوزخی مردی بهشتی را
گوید یاد داری که تو مرا برای کاری فرستادی من رفتم و کار تو کردم او شفاعت کند و رسول فرموده
صلی الله علیه وسلم در تفسیر قوله تعالی لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ مراد از
یزیدهم من فضله شفاعت ست برای دوزخیان کسانیکه با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرموده
که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند در ده کس
که آتش برای شان واجب باشد و فرمود طفلان مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعت شان
قبول شود و در حدیثی آمده هر کرا سه بچه مرده باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته شود
که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود در روید
شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شهوت
باز داشته بودم شفاعت من قبول کن و قرآن گوید که من این را از خفتن باز داشته بودم و حجر اسود
روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بر وی رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
لعنت کنندگان روز قیامت شاهد و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
صلی الله علیه وسلم است او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
دیگران از علما و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت ست که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت
یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید خدری
مروی ست که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده چون مومنان از آتش رهائی یابند و از صراط بگذرند در جناب الهی
برای برادران خود که در دوزخ باشند آواز شفاعت بمبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز و
روزه و حج میکردند حکم شود که برارید هر کرا بشناسید حق تعالی آتش بر صورتهای مسلمانان حرام کند
صورتهای شان بحال باشد پس برارند خلقی کثیر را و گویند یارب حالا از آنها کسی نمانده که امر کردی تو حکم شود

پس تمام مومنان ایشان را
بمرزیدن شان و افزون
بهر ایشان راز فضل خود

که باز برون آید و هر که در دل او بقدر دینار ایمان باشد و برابر ید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که برون آرید و برابر ید کسی را که در دل او مثل مورچه ایمان باشد پس برارند خلقی کثیر را ازو بگویند یارب حالا نگذاشتیم در دوزخ هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند و باقی نماند مگر ارحم الراحمین فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ النَّارِ یعنی حق تعالی یک قبضه ازدوزخ بگیرد پس برارد قومی را که گاهی هیچ عملی نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس بیندازد حق تعالی آنها را در نهری بر روی بهشت آنرا نهر حیات گویند پس آیند چنانچه دانه می روید در سیل پس برآیند مثل دانه مروارید در گردنهای شان مهرها باشند اهل بهشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یکی میان دوزخ و بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چیزی دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکنم حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و تازگی جنت بیند مدتی خاموش ماند باز گوید که مرا نزدیک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از و عهد گیرد که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت برد مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که سوال نکنم او گوید الهی مرا بدبخت ترین خلق مکن و دعا کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را به بهشت برد و بفرماید که آرزو کن او آرزو کند تا که منقطع شود آرزوی او حکم شود که انچه آرزو کردی ترا باشد و ده چند زیاده ازان فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که رحمت راحق تعالی صد حصه کرده یکحصه در جمیع خلائق تقسیم کرده و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخدا آنقدر رحمت خواهد کرد که ابلیس امیدوار شود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن علما را باشد حق تعالی میفرماید ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا الآیه یعنی بعد انبیای سابق وارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان خود پس بعضی ازانها ظالم باشند بر نفس خود بگناهان و بعضی ازانها میانه رو باشند و بعضی ازانها سبقت کننده باشند بنیکیها باذن خدا همین ست فضل بزرگ بهشتهای همیشگی را داخل شوند که نهرها دران جاری باشند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم

این لفظ را بصیغه مؤنث در توصیف بهشت افزوده اند زیرا که نعیم بهشت لفظ است مانند نخلون فیها من اساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فیها حریر ۲۵

سابقان داخل بهشت شوند بغیر حساب و میانه روان بآسان حساب بسیر شود و ظالمان در طول محشر محبوس باشند پس برحمت خدا
آنها را تلافی کند بگویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور
و فرمود که حق تعالی علماء را فرماید که من علم خود در شما نهاده بودم مگر آنکه اراده مغفرت میداشتم برای شما بر هر چه از شما آید دیگر دارم
فائده بهترین مسلمانان نزد خدا سه فریق اند شهدا که جان خود ها را در راه خدا بذل کردند دوم علما که عقل
و حواس خود ها در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود ها در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است
که نیت خالصاً لله باشد وگرنه اول بدوزخ روند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو
چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع گویند
پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بدوزخ اندازند دوم عالم که حق تعالی نعمتها باو داده پرسد که چه
عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ
گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بدوزخ انداخته شود سوم
مردی که او را حق تعالی مال داده و او هر صنف مال بمردم بخشیده چون نعمتها خدا باو داده ازو پرسد که
چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم را
مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود بدوزخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصة لله
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه وسلم انما الاعمال بالنیات عمل معتبر نیست مگر به نیت

فصل الایمان بین الخوف والرجاء

ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود تکیه نکنند اگر
بنده را حساب کنم و جز اهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی تواند برآمد و بگو گناهکاران
که از رحمت خدا ناامید نشوند که من گناهان کبیره را می بخشم و باک ندارم و طبرانی از واثلة بن اسقع روایت کرده
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از و گوید چه میخواهی
اگر خواهی بحساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید الهی تو دانا تری من گناهی نکرده ام آنگاه حکم شود

که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل او کنید ادنی نعمت از نعمتهای خدا همه اعمال او را فراگیرد آنگاه آن بنده گوید
الهی بفضل و رحمت خود مرا ببخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود
دفاتر سه اند یکی دفتر حسنات دوم دفتر سیآت سوم دفتر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمت همه نیکیها را
درگیرد و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتها را ببخشد و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار نعوذ بالله منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده متغیر اللون
آنحضرت پرسید که چه حال ست گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بکلید داران جهنم یعنی جهنم را
دیده آمده ام فرمود وصف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا
سفید شد پستر هزار سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پستر هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس
آن سیاه و تاریک ست روشن نیست شرر آن و کم نمیشود سوزش آن قسم بکسی که ترا براستی فرستاده ست
بحق که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سر سوزن اهل زمین همه بمیرند از گرمی آن اگر فرشتگان عذاب که در جهنم اند
ظاهر شود کسی از انها بسوی دنیا و اهل زمین او را ببینند همه بمیرند از زشتی روی او و بد بوی او و اگر یک حلقه
از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نهاده شود بر کوههای دنیا هر آینه فرو رود تا زمین سفلی هر گاه حق تعالی
دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از دهشت آن پریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد دلهای ایشان
قرار گرفت در تصحیحین ست که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هل من مزید گوید
گوید تا که رب العزت دران قدم بنهد آنزمان بعضی ازان بسوی بعضی بپیچد و گوید بس بس دوزخ در زمین
سبفلی ست یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان هفتم از وهب بن منبه مرویست که چون قیامت
قائم شود فلق که پوشش سقر ست از سقر دور شود و ازان آتشی براید و دریا که بر جهنم مطبق ست
و حاجز ست میان جهنم و هفت طبق زمین در چشم زدن افروخته کنند همانست بحر مسجور
فصل جهنم را هفت درکه ست و هفت درست یکی بالای دیگری و بر آنها در جماعتی ست تقسیم کرده

اول شان جهنم ست دران عذاب کمترست برای گنهگاران این امت پست تر ازان لظی ازان پست سعیر
ازان پست حطمه زیر آن سقر زیر آن جحیم پست تر هاویه منافقان در درک اسفل باشند از دوزخ مسلمانان
را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
دوزخ باهم پیچیده گفته شود که چه حال ست دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میجست حکم شود که این را
بگذارند بیهقی روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم نمی خفت تا که تبارک و حم سجده
نمی خواند و فرمود که حم ها هفت اند و درهای جهنم هم هفت اند حم سجده ازان روز قیامت
بر دری از درهای جهنم بایستد و بگوید که آلهی داخل نشود ازین در کسیکه با من ایمان داشت و مرا می خواند
فصل موکلان جهنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جهنم مخلوق شدند
و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک ازان آنقدر هست که در میان دو شانه او صد ساله راه است
در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک ازان گرز ست و مالک را انگشتانست بعد و همه دوزخیان
کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قرطبی گفته نوزده سردارند و موکلان
جهنم بشمارند و ویل وادیست در جهنم عمیق که کافر دری تا چهل سال فرو میرود پیش از انکه در قعر او رسد و در رواست
که در دی ز دوزخیان جاریست و صعود کوهیست در جهنم در هفتاد سال جهنمی با علای آن رسد و باز ازانجا
فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود سنگیست که اگر بر دوی دست رسد گداز شود و چون دست بردارد
باز دست درست بشود و همچنان فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جهنم انداخته شود
تا هفتاد سال بپایین او نرسد و در نهایت آن غی ست و اثام و آن هر دو نهر اند از زیم دوزخیان و موبق
وادی عمیق ست روز قیامت فاصل باشد در میان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین ست که دوزخ شکایت
کرده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم
دمی بسردی که از سردی او در دنیا سرما میشود و دمی بگرمی که از گرمی او در دنیا گرما می شود
فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز بهر جهنما از مس گداخته شده شدید الحرارة و هب بن منبه میگوید
اهل دوزخ را پوشاک باشد و برهنگی برای شان بهتر ست از پوشاک و حیات باشد و موت برای شان بهتر باشد

زحیات و برآنی دوزخیان فرش باشد و لحافها از آتش و دوزخیان در زنجیر باشند که هفتاد گز طول آن زنجیر باشد
هر گز از این هفتاد ذراع هر ذراع مقدار مابین مکه و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود بیک حلقه زنجیر دوزخیان نرسد
آن زنجیر را از دبر آنها داخل کرده و از دهن برآورده بر دوی پیچیده شود جمیع بالای سر کافر ریخته شود پس برسد بشکم
و فرو ریزد آنچه در شکم باشد در قدمش باز همچنان درست شود و باز جمیع از سر گرم ریخته شود طعام دوزخیان زقوم
باشد اگر قطره از آن در دریاها افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند زقوم درختی باشد از شدت گرسنگی آدمی
از وی بدندان گیرد و آن درخت از آدمی همان قدر گیرنده گیرد و نیز طعام دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم ضریع چیزیست در دوزخ مشابه خار تلخ تر از صبر و بدبوتر از جیفه و گرم تر از آتش و قتیکه بخورد
صاحب او نه در شکم فرو رود و نه از دهن برآید گلوگیر باشد نه فربه کند و نه گرسنگی دور سازد و نیز طعام دوزخیان
غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان حمیم باشد یعنی آب در غایت گرمی و غساق یعنی آب سرد
سوزی در غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو غساق در دنیا افتد تمام دنیا بدبو شود و از کعب
مرویست که غساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهردار باشد ایشان را
در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد آنرا مثل پارچه بکشد ترمذی
از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم گرسنگی بر کافر غالب کرده شود بحدی که
برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس یاد کنند که در دنیا
از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس جمیع بگلوبهای آهنی نزد روهای شان کرده شود
از گرمی آب روی شان بریان شود چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از امعاست قطع کند انگاه خازنان
دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که یک روز از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند
گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گمراهی یعنی نا قبول پس ایشان مالک را
گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد هزار سال جواب دهد که شما همیشه در عذاب باشند
آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدبختی ما غالب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برآر اگر
باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب دهد اخسئوا فیها ولا تکلمون یعنی دور شوید در دوزخ و سخن مگویید انگاه

درزفیر وحسرت باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و دوبار و زنده کردی ما را و دوبار اقرار کردیم بگناهان
خود آیا ما را باشد راهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب دهد حق تعالی این عذاب از انست که چون مردم
توحید میکردند شما اعتقاد بشرک میداشتید و شرک میکردید پس حکم مرخدا راست نه دیگری را باز ندا
کنند آلهی ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بدنیا بفرست تا عمل کنیم نیکو جواب یابند بچشید این عذاب را
شما فراموش کرده بودید این روز را ما شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه بسبب اعمال خود باز
گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا زمانی قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولان را
جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شما را زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ برار
عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر ندادم بودیم شما را در دنیا آنقدر که دیگران در آن عبرت
پذیر فتند و آمدند نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا پس بچشید عذاب ظالمان را کسی مددگار نیست
باز گویند ای پروردگار ما بر ما بدبختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما ما را برار پس اگر باز کفر کنیم ظالم
باشیم آنگاه جواب داده شوند اُخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که در دوزخ مارها باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژدمها باشد خردترشان مثل خچر هرگاه نیش زنند
رنج او تا چهل سال باقی ماند در روایتی آمده که نیش کژدمها مثل درخت طویل از خرما باشد مسلم از ابی هریره
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه اُحُد باشد
و پری پوست او مسافت سه مرحله راه و در روایتی آمده که مقعد او از مکه تا مدینه و در حدیثی آمده که ما بین
نرمه گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خورد تا که رسد بر دل او باز بدنش
درست شود باز همچنان کند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخته شود
و باز درست گردد عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه وسلم شنیده ام و در روایتی در ساعتی
صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و در روایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روز
هفتاد هزار بار و جمع روایات بتعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

ع ۱ متضمن نجات مسلمان گنهکار از
این مضمون نباید
آخر مصرع ۱۲ نجات دعای اهل دوزخ

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود باسقاط کسر جمع این دو روایت میشود
و از حذیفه مرویست که در جهنم درندگان و سگان و کلوبها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
کلالیب قطع کنند و از آن شمشیرها عضو عضو جدا کرده پیش سباع و سگان بیندازند و هر بار که عضوی
را بیرند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آنچنان کند که لب بالا
کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین فرو هشته تا ناف رسد ابن عباس در تفسیر قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا
قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا میفرماید که دنیا قلیل ست در دنیا هر قدر خواهند بخندند چون دنیا منقطع شود
گریه شان منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دوزخیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود از آن
خون بگریند و در رویهای شان خندقها شوند که اگر کشتیها دران بگذارند جاری شوند و فرموده که دوزخیان
مدتی آب چشم ریزند بستر مدتی ریم گریند پس خازنان جهنم گویند ای بدبختان شما در دنیا نگریستید حالا کسی را
فریاد رس دارید آنزمان از اقربای خود که بهشتیان باشند نداکنند انی جماعه پدران و مادران فرزندان
برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقف تشنه ماندیم والحال تشنه ایم بریزید بر ما آب یا آنچه خدا بشما
داده است بعد چهل سال از آنجا جواب یابند که حق تعالی آب وغیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان را
در دوزخ زفیر و شهیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از اهل دوزخ کمتر در عذاب
کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که ازان دماغ او بجوشد چنانچه دیگ میجوشد داند که کسی از من در
عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر ست در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید
که ابوطالب حمایت تو میکرد او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در ضحضاح آتش ست
اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود ضحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد
یا کمتر ازان در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین ست از آتش که ازان دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گناهگاران از مسلمین

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندگی راحت و نه مرده باشند

وبعضی کسان را آتش رسد پس بمیرند و مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت آنها پس آنها را بر آورده بر
نهرهای بهشت انداخته شوند و اهل بهشت را حکم شود که بر آنها آب ریزند پس آنها مثل سبزه بر دمیده و در حدیثی
آمده که گرمی دوزخ بر امت من مانند گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی دوزخیان را آتش
تا شتالنگ باشد و بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را تا حلق و بعضی را تا سر و فرموده زنان را که من شما را
اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار میگویید و کفران نعمت شوهران میکنید و نیز در حق زنان
فرموده که آنها بعطا شکر نمیکنند و بر بلا صبر نمیکنند و فرموده که مردی را در دوزخ انداخته شود پس بیرون آید امعاء او
پس او در آتش گردش کند چنانچه خر گرد آسیا میگردد و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلان چه حالست ترا تو ما را
امر معروف و نهی از منکر میگردی گوید که من شما را امر معروف میکردم و خود آن کار نمی کردم و نهی از
منکر میکردم و خود مرتکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتواند کرد
و طلب علم نکرد و مردی عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانیه جلدی کنند در عذاب قاریان پیش از
عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاده یا گوشواره یا دست بند از زر پوشیده
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که قلاده و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنان
منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعدم ادای زکات و فرموده هر که در ظرف زر یا نقره آب خورده آتش
دوزخ در شکم او آواز کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر که از گریبان جبه از حریر باشد او را طوق از آتش باشد
و در صحیحین ست که فرمود هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دو جو گره دهد
و نتواند و هر که سخن کسی را گوش نهد و او بشنیدن او راضی نباشد در گوش او سرب گداخته ریخته شود
روز قیامت و هر که صورت ذی روح سازد تکلیف داده شود که دران روح داخل کند و هر که علم را
پوشیده کند او را لگام از آتش داده شود و هر که دو زبان باشد در دنیا یعنی رو بر دو شخص بر وضع یکدیگر گوید
و غائبانه بوضعی دیگر او را دو زبان باشد از آتش روز قیامت و هر که او در وضو پاشنه خشک ماند بلا پاشنه
پاشنه او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در وضو در انگشتان خلال کنید تا آتش

درسیان شان نیاید و در صحیحین ست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هرکه از بلندی خود را انداخته مرده
همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هرکه زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هرکه
بآهن خود را کشت همیشه آهن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هرکه اهل مدینه را
بدمی خواهد در آتش گداز دچنانچه قلعی گداخته میشود و هرکه غیبت کسی کند گفته شود که بخور گوشت او در حالت
مردگی چنانچه خوردی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار رنج کشند در حدیثی آمده که چهار کس
باشند که در جحیم و حمیم بگردند و ویل گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را ایذا کرد
زیاده از ایذای نفس خود و او را گویند ای ابعد تو ما را ایذا کردی زیاده بر انچه ما را بود یکی انکه مال مردم برگردن
او باشد و او انشود او معلق باشد در تالوت از آتش دوم انکه از رسیدن بول بپارچه و بدن پرهیز نکنند یعنی دوزخیان ۱۲
او سعای خود در آتش کشد سوم انکه از سخن بد در مردم لذت گیرد از دهان او ریم جاری باشد چهارم انکه
غیبت و نمیمه کند او همیشه گوشت خود بخورد و از قیصور بن زازان مرویست که گفته عالم که از علم خود منتفع نشد
دوزخیان متاذی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که فرجهای زانیان ایذا دهند اهل دوزخ
را از بدبوئی و در صحیحین ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر بدمستی که حق تعالی بر خود لازم گرفته است
آنکه هرکه مسکر خورد او را نوشاند حق تعالی طینت خبال فرمود یعنی افشرده دوزخیان و در حدیثی آمده
که هرکه خمر نوشد خدا او را جهنم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که مدینه حرم پناه و خوابگاه ۱۲
واجبست برامت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که پرهیزند از کبائر و کسی که چنین نکند او را حق تعالی
طینت خبال نوشاند و فرمود هرکه در حق مسلمان گوید انچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکن ردغه خبال
کند تا که برایذا ان قول و برخواهد امد ازان قول و فرموده که زنان نوحه گر را در صف کرده بر جانب یمین و یسار
دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان و فرموده که سیاه های
ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که سخت تر عذاب نزد الله مصورا
باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیا را دشنام دهد پس بتر کسی
که اصحاب مرا دشنام دهد پس بتر کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی را باشد

۱۲ آنانکه تصویر ذی روح کشند

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مصوران را او فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت
کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بدخول بهشت
حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوشی بهشت ببینند حکم کند که اینها را از بهشت باز گردانیده بدوزخ اندازند
پس آنها بحسرتی باز گردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول
داخل دوزخ میکردی بهتر می بود حق تعالی فرماید که همین خجالت است که شما را حسرت دهم شما در خلوت
گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم برخلاف آن میکردید از مردم هیبت میکردید و از من هیبت نمیکردید مردم را
تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امروز می چشانم شما را
عذاب الیم و محرومم داشتم شما را از ثواب و فرموده که برای استهزا کنندگان بامردم دری بسوی بهشت
گشاده شود و گفته شود یکی را از انها برای خروج از دوزخ و او باکرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
بند کرده شود همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه گشاده شود و گفته شود که بیا از ناامیدی نیاید
و در حق چند کس در احادیث وارد شده فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ یعنی باید که خانه خود در دوزخ
سازد و کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسیکه شهادت
دروغ دهد و کسیکه قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسیکه دوست دارد آنکه مردم پیش او ایستاده
باشند و در حدیث وارد شده که گناهگاران سوای امت محمد صلی الله علیه وسلم در دوزخ انداخته شوند
روهای شان سیاه شود و قیدهای آهنی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهگاران امت محمدی صلی الله علیه
وسلم اگر در دوزخ انداخته شوند روهای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
مالک گوید که از شما خوب رو تر بر من وارد نشده است شما از کدام امت هستید گویند ما از امت قرآن
هستیم از امیر المومنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل کبا
از موحدان که بدون توبه مرده باشند هر که از انها داخل دوزخ شود چشمهای شان ازرق نشود و روهای
شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک زنجیر نکرده شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا نکرده شوند و حمیم نخورانیده
شوند و قطران نپوشانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتهای شان بر آتش حرام کرده بسبب سجود

بعضی آنهارا آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پاشنه و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن
بقدر گناهان شان بعضی از آنها یکساعت و بعضی یکروز یعنی بقدر یکروز دنیا و بعضی یکماه و بعضی یکسال
در دوزخ باشند بعد ازان ازان خارج کرده شوند و دراز تر مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد

فصل چون خواهد که حق تعالی آنهارا از دوزخ برارد یهود و نصاری و بت پرستان و غیره اهل ادیان
باطله مومنان را گویند که ما و شما در دوزخ برابر یم یعنی ایمان شما چه فائده کرد حق تعالی در غضب آید
و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمهٔ که در میان صراط و بهشت ست بیفگند پس آنها مانند سبزه بروید
پستر داخل بهشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد جَهَنَّمِيُّونَ عُتَقَاءُ اللّٰهِ بعد مدتی آن نوشته محو شود
پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز درهای دوزخ بر کسانیکه باقی ماندند یعنی کفار بندکنند و میخهای آتشی
بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که بخشش کند الله تعالی بروز قیامت
بر کسانیکه عمل نیک گاهی نکرده اند پس برارد آنهارا از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کند بر حمت
خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و بزار از ابن عمر روایت کرده که گفته برآتش وقتی آید که بادها در آنرا
آنرا در حرکت درارد و کسی دران نباشد شیخ محی الدین عربی از ینحدیث متوقف میگوید که بعد مدتهای مدید
در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها مکث طویل ست لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع
و علما ایحدیث را تاویل میکنند و میگویند که جای عاصیان مومنان که طبقهٔ علیاست از دوزخ خالی شود
و کسی از موحدان دران نماند طبرانی از انس و ازجابر بسند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتیکه خدا خواهد پستر عاردهند آنهارا کفار که
شمارا تصدیق رسول هیچ نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برارند هر کرا که باشد مسلمان آنرمان کافران
آزرده کنند که کاشکی مسلمان بودی آنحضرت این آیت خواند رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا
مُسْلِمِينَ حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ گوید و بر همین اعتقاد بمیرد البته داخل بهشت شود ابو ذر گفته که اگرچه زنا
کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگرچه زنا و سرقه کرده باشد باز ابو ذر همان گفته باز آنحضرت

همان فرموده و در مرتبهٔ سوم گفته عَلٰی رَغْمِ اَنْفِ اَبِیْ ذَرٍّ فرموده هر که بمیرد در حالیکه شرک نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که بمیرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود احادیث درین باب بسیار اند زیاده از حد تواتر و در بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و برسالت محمد صلی الله علیه وسلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبده و خلود در دوزخ بروی حرام است بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهگاران از مسلمین وارد شده و آنچه ابن حبّان از ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ گفت نفع خواهد کرد او را روزی از دهر پیش ازان که او را رسد و ترمذی و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بفرماید که از آتش برارید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جائی از من ترسیده باشد

فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون بهشتیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار در دوزخ مانند استاده شود بانگ دهنده درمیان شان داد از کند ای اهل دوزخ موت نیست و ای اهل بهشت موت نیست هر یک در انچه هست همیشه باشد و هم در صحیحین ست از ابن عمر و ابی سعید خدری که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که وقتیکه همه بهشتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ مانند موت را بصورت کبش سیاه درمیان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت ای اهل دوزخ موت را میشناسید هر یک گردن دراز کنند و بینند و گوید آری این موتست پس او را ذبح کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلود ست ای اهل دوزخ خلود ست موت نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر اینه خوش شوند و اگر اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر اینه غمگین شوند لیکن هر انها خلود ست ابدا

از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ مخلد باشد آنها را در صندوقهای آهنی کرده و بران میخهای آهنی زده و آن صندوقها را در صندوقهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین تر دوزخ پس هر یک ازانها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم ازابن مسعود مرویست که منافقان را در صندوقهای آهنی کرده در درک اسفل دوزخ در تنورها تنگ تر ازین که کوفته شود و تیره کرده شود و آن را جب الحزن گویند

۵۱ خاک آلوده شدن معنی ابی ذر کنایه از خطا نیست
۵۲ ای بر لیل انچه ابن حبان الخ ۱۲
۵۳ در رد این اصل پایین تر بیین ۱۲
۵۴ جب الحزن ۱۲

باب پنجم در صفت جنت و در دخول بهشت و نعمتهای بهشت

دخول بهشت محض بفضل خداست جل وعلا در صحیحین از عایشه صدیقه مرویست که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم محکم گیرید کار خود را و نزدیکی جویید بخدا و خوشباش شید بدرستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را
عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا مگر آنکه بپوشد مرا حق تعالی بمغفرت و رحمت خود و در
صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص خواهد کرد
کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا مگر رحمت از خدا اینچنین در احادیث بسیار آمده و این سخن مشکل میشود
بقول تعالی اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود جواب داده میشود
بدانکه اصل دخول جنت و خلود در آن بفضل خداست چراکه خلود غیر متناهی ست و اعمال متناهی ست و
تفاوت درجات جنت بسبب اعمال ست تنها و از ابن مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم
از صراط بعفو خدا و داخل بهشت خواهند شد بر حمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را در بهشت باعمال
خود فقیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقر بندگان را برحمت خود قبول فرموده و جزای اعمال محقره
متناهی را دخول جنت و ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد ازان اگر گفته شود که دخول جنت جزای اعمال است
گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت برحمت خداست هم گنجایش دارد طبرانی و بیهقی از سلمان
فارسی از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چشمی از حضور عنایت شود باین عبارت
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ هٰذَا كِتَابٌ مِّنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ لِفُلَانٍ ادْخُلُوْا جَنَّةً
عَالِيَةً قُطُوْفُهَا دَانِيَةٌ یعنی این خطاز الله عزیز حکیم ست برای فلان که اورا داخل کنید بهشت عالی را
که ثمره آن نزدیک ست و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ
فَادْخُلُوْهَا خَالِدِيْنَ و از هر درختی بیاشامند و بگویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ
عُقْبَى الدَّارِ بهشتیان گویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ صَدَقَنَا وَعْدَهٗ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ
مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ و گویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدٰنَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

سلام از خدا و فرشتگان بر بهشتیان ۱۲
جابر بن عبد الله انصاری ۱۲
عمر بن خطاب ۱۲
ابن مسعود ۱۲
سلمان فارسی ۱۲
راست کرده ۱۲
خود عطا کرده ما را
زمین جا میکنیم از
بهشت هرجا که خواهیم ۱۲
سپاس
آن خدایرا ست که
دلالت کرد ما را
بر این بهشت
و هرگز مستقیم نیافتیم
نبودیم ۱۲

لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَيُنَادَوْنَ أَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَيُنَادَوْنَ أَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ وچون دوم داخل بهشت شوند اول طعام شان زیادت جگر ماهی باشد

فصل در صفت جنت وعدد آن حق تعالی در قرآن میفرماید وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ فرموده وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ یعنی هر که خوف کند از استادن پیش پروردگار خود

وبازو نهاد و بهشت ست و پایین تر از انها دو بهشت دیگر اند در صحیحین وغیر هما از ابی موسی اشعری مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بهشت چهار اند دو از نقره است عمارتها و انچه در انست از نقره است و دو از زر ست عمارتها و انچه در انست از زر ست و منازل در میان قوم و رویت خدا مگر پرده کبریا در جنت عدن دو بهشت از برای سابقین ست و در بهشت نقره برای تابعین ست و بروایتی برای اصحاب یمین قرطبی گفته بعضی علما گفته اند جنات هفت اند دار الجلال دار السلام دار الخلد جنت عدن جنة المأوی جنت نعیم فردوس و بعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی دلالت دارد و از سیاق سورهٔ رحمن مستفاد میشود و این همه نامها هر چهار بهشت را ست و در هر بهشت درجات و منازل بیشمار اند در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که ایمان آورد بخدا و رسول او صلی الله علیه وسلم و نماز گزارد و زکات دهد و روزه رمضان گزارد حق ست بر خدا که او را داخل بهشت کند در راه خدا جهاد کند یا در خانه خود نشسته باشد یعنی فرایض ادا کند و جهاد فرض عین نیست غالبا مردم گفتند یا رسول الله خبر نمیدهی مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه ست که مهیا کرده ست حق تعالی آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه انقدر تفاوت ست که در میان آسمان و زمین ست پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت ست و بالای آن عرش رحمن ست و از انجا نهرهای بهشت میشگافد ازین حدیث معلوم میشود که صد درجهٔ مجاهدین فی سبیل الله را ست و برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباده بن الصامت رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم بهشت را صد درجه ست میان هر دو درجه مانند تفاوت آسمان و زمین ست و فردوس اعلی از همه ست شاید که مراد ازین احادیث درجات مجاهدین باشد

و در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوی دشمن خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند در میان او و درجه صد ساله راه باشد
و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان و زمین است در درجه اول خانها
تختها و درها و دیوارها و قفلها از نقره است و در درجه ثانیه آن همه از زر است و در درجه سوم همه آن از یاقوت
و مروارید و زبرجد است و نود و نه درجه بقسمی است که نمیداند آنرا جز حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت
کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دارم شما را بر آنچه دور کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسباغ
وضو بر مکاره یعنی در حالت ناخوش آمدن استعمال آب وضو نیکو کند و دور رفتن بمسجدها و انتظار نماز بعد نماز
همین ست رباط و بیهقی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعدد آیتهای قرآن است
پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
را در گیرد این حدیث را بران حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و ششصد و شصت و شش است
بعدد آیات قرآن بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را تکرار کند برای او درجات بهشت بیفزاید
اصحاب سنن و ابن حبان از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب قرآن را گفته شود که قرآن بخوان
و ترقی کن و ترتیل کن چنانچه ترتیل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند نوری
از فوق درخشد که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادرت فلان گوید که من
او در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا شد گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
حق تعالی در دل او رضا بدهد حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیدند
و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها شبها بیداری میکردند و شما خواب
میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند
تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا مگر اصحاب هموم و فرمود
در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا مگر سه کس بادشاه عادل و ذو رحم وصل کننده و عیال دار صابر
فصل حق تعالی میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ
وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ ط یعنی کسانیکه ایمان آوردند یعنی ایمان کامل و تبعیت کرد شما را

۵۱ باو سند حسن و بیهقی بسند حسن مرفوعا و قوی و بیهقی بسند حسن موقوفا و الحاکم مرفوعا

اولاد آنها بایمان یعنی آنها مومن هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم کنیم
آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجهٔ او رساند برای سرد دیدن چشم او
و در حدیثی آمده که چون مرد داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود بپرسد گفته شود که آنها بدرجهٔ
تو نرسیده اند و مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
پس امر شود بالحاق آنها و فرموده که هر که بلندی درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بر وی ظلم کرده
و ببخشد کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هر که برساند بسوی پادشاه
برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا درجات او بلند کند و فرموده که هر که کسانت کند یا فال از پرنده
گیرد و از سفر باز ماند بدرجات بلند نرسد و ابراهیم تیمی گفته که هر شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب
حظ بردارد در آخرت درجهٔ او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف ست وگرنه در حدیث آمده
اَلطَّاعِمُ الشَّاكِرُ كَالصَّائِمِ الصَّابِرِ ابن عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجهٔ غلام
بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این ذکر خدا بیشتر از تو کرده طبرانی از
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کند که من نسب مقرر کرده بودم
و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اکرم ساختم و شما اینمعنی نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان
بن فلان بهتر ست امروز نسب مقرر کرده خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
مرتبهٔ متقیان بقدر تقوی بلند شود در حدیثی آمده که دو دوکس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه کنند
غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبهٔ صحیح بر مریض و حر بر مملوک و
غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما با هم در راه تو هم صحبت
بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چرا فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرد و
صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیادتی کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شده
فقیر گوید که الهی اگر مرا مال میداد ای من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر مرا صحیح و مرا حر میکردی همچنان
عمل میکردم حق تعالی فرماید که راست گفته اید پس فقیر را برابر غنی و مریض را برابر صحیح و مملوک را برابر حر مرتبه داده شود و بد خلق هیچ جزا نیابد

فصل در بهشت را هشت دروازه باشد نمازیان را از باب الصلوة و صائمان را از باب الصوم
و صدقه دهندگان را از باب الصدقه و مجاهدان را از باب الجهاد طلبیده شود ابو بکر گفته یا رسول الله
از هر دری که طلبیده شود خوبست لیکن کسی باشد که از همه دروازها او را طلبیده شود فرمود آری امید دارم
که تو از ان مردم باشی قرطبی گفته از همه درها طلبیدن بنا بر اکرام ست در حدیثی آمده که انسان هر
عمل که بهتر کند بهمان در طلبیده شود در حدیث آمده که هر که بعد وضو اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله گوید هشت دروازه بهشت برای او گشاده شود
از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه در وقت رمضان کند و زکات دهد و از غیبت کبیره
پرهیزد هشت دروازه بهشت برای او گشاده شود و بشارت بگشادن هشت دروازه بهشت
وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را
از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که
چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی او را و دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشند و آنها را پرورش کند
فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم و بجای گل
مشک باشد و سنگریزهای آن مروارید یاقوت و خاک آن زعفران هر که داخل بهشت شود همیشه
خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نمیرد و پارچه او کهنه نشود و جوانی او زائل نگردد نهرهای بهشت
در غار زوند بالای زمین روند در میان دو بازوی دروازه بهشت چهل ساله راه باشد روزی چنان ازدحام
شود که مردم پهلو به پهلو زوند و تنگ باشند و در صحیحین ست که داخل بهشت شوند از امت من هفتاد هزار
یا هفت لک رادی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته روی شان بانند ماه شب چهاردهم باشد
فصل در بهشت غرفها باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود
اهل بهشت اهل غرفها را بینند بالای خود چنانچه ستاره دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای
تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا نرسند
فرمود قسم بخدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و تصدیق کرده باشند پیغمبران را

و در حدیثی آمده که غرفها برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنرمی گویند و مردم را طعام خورانند و شبها
نماز گزارند در حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و روزها
متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که برادر خود سلام گوید و سلام دهنده را جواب سلام گوید او گویا
افشای سلام کرده و کسیکه اهل و عیال خود را از طعام سیر کرده پس اطعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر بجماعت خواند نماز خوانده
در شب در حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن بر رسول کریم فرمود مردی را که گفت یا رسول الله
کرا طاقت ست که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس نیام حاصل آنکه
اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم کافی ست اگر فضل الهی شامل حال ست و در حدیثی آمده که حق تعالی غرفهای
بهشت مهیا کرده هست برای کسانیکه برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و انچه خرج کنند برای خدا کنند
و در حدیثی آمده که غرفهای بهشت را نه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشد از تحت مردم گفتند
پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرنده پریده رسنده باشند آن غرفها صاحب بیماریها و صاحب دردها را
و از عمران بن حصین و ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکن طیبه فی جنات عدن
پرسیده شد فرمود قصر باشد از مروارید در آن قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره
باشد از زمرد سبز در هر حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد رنگارنگ بر هر فرش زوجه
از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمانرا
قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و در احادیث اعمال صالحه که سبب بنای خانه
در بهشت باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن رواتب و نماز صبحی
و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب و عشا و سوره دخان خواندن شب جمعه و
روز جمعه و روزه داشتن چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
بازار گوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی
ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر نوشته شود برای او هزار هزار حسنه

اعمال صالحه که سبب بنای خانه در بهشت باشد

و دور کرده شود از وی هزار در هزار گناه و بنا کرده شود خانه در بهشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار سوره اخلاص
بخواند یک خانه برای او در بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا
رسول الله در اینصورت بسیار خانها در بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ تر است طبرانی از حکیم بن محمد
روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در بهشت میشود چون شخص از ذکر بند میشود از بنا کردن بند میشوند
پس گفته شود آنها را که چرا باز نمانید از بنا گویند تا کار از نفقه رسد همچنین از علی بن ابو نعیم روایت کرده و
در حدیثی آمده هر که این کلمه را صبر کرد و احتساب کرد و حمد گفت و انا لله و انا الیه راجعون گفت حکم شود که بنا کنند
برای بنده من خانه در بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صف نماز یا صف قتال فرجه
بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه در بهشت و فرمود هر که در دروغگوئی ترک کند خانه او بکسو
در بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال را و محق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میانه بهشت و هر که را
خلق حسن باشد دار علی بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه نوشته شود
و خانه در بهشت بنا شود و از یاقوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانی کند ید خانه او در بهشت بنا شود

فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی
پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که ذمی را کشت
او را بوی بهشت نرسد و همچنین وارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که
خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعمل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که مدمن
خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زنا کند و کسیکه تکبر ازار خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب
سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که مرد و در دل او مقدار
دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را بیند

فصل در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که در خان بهشت آنچنان
باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع نکند و ترمذی از اسماء بنت ابی بکر از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در ذکر سدرة المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد سال را

ودران پروانهای زر باشند وثمر آن مثل قلها باشند فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم طوبی درخت
صد ساله راه پارچه پوشاک بهشتیان ازان برایند وفرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم درختی در بهشت است
مگر آنکه تنه او از زر باشد واز ابن عباس مرویست که نخله بهشت را تنه زمرد سبز وشاخهای آن طلای سرخ
وبرگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی وهم حلها وثمر آن مثل قله سفید از شیر وشیرین تر از عسل وخرما تر
از زبد ونباشد او خسته سلمان فارسی رضی الله عنه چون خرد در دست گرفت وگفت اگر در بهشت
اینقدر چوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که آنجا نخل وشجر باشد فرمود که بیخ وتنه آن از مروارید وزبرجد
وبالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت یارسول الله در بهشت درختی مذکور شده که
اذا میکند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی میفرماید فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ
یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار او را بجای هر خار ثمره باشد از هر ثمره هفتاد دو رنگ برایند که
مشابه یکدیگر نباشد وثمره درختان بقسمی باشد که استاده ونشسته وبر زمین خفته بهر حال میتوان گرفت
مجاهد رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد وخاک او از مشک ودرختان از زر ونقره وشاخها
از مروارید وزمرد وثمرها بقسمی که استاده ونشسته وخفته آنرا بگیرد ومسروق رضی الله عنه گفته که ثمره
جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود ابو هریره گفته که سدره بهشت را طوبی گویند حق تعالی
میفرماید بشگاف برای بنده صالح من هرچه خواهد پس بشگافد از ان اسپ مع زین ولگام چنانچه خواهد وبرایند
شتر بار جل ومهار بقسمی که خواهد وبرایند پارچه انچه خواهد ودر احادیث وارد شده که هر که سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ
گوید برای او درختی در بهشت نشانده شود رسول صلی الله علیه وسلم ابو هریره رضی الله عنه را دید که
درختی می نشاند فرمود که دلالت کنم ترا بر درختی بهتر ازین گفت آن چیست فرمود سُبْحَانَ اللهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وهر کلمه ازین درختی برای تو نشانیده شود رسول صلی الله
علیه وسلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از من سلام بگو وخبر ده که بهشت خوش
خاک ست وشیرین آب وآن بی درخت ست درختهای آن لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ ست وآنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که نزد ختم قرآن دعا قبول شود

و درخت در بهشت نشانده شود و ابن عباس رضی الله عنه گفته که هر که برای کار نیک رود بر وجاوزان
زمین و دریا رحمت فرستند و بهر قدم در بهشت درختی نشانده شود و گناهان او بخشیده شود حق تعالی
میفرماید فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ وَفِيهِنَّ فَاكِهَةٌ مِمَّا يَشْتَهُونَ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ
وَلَا مَمْنُوعَةٍ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ابن عباس رضی الله عنه
گفته که در دنیا از ثمرهای بهشت نیست مگر نام و گفته هر چه در دنیا از ثمره هست شیرین و تلخ تا که حنظل در بهشت هست
یعنی صورتها هر یک مانند صورتهای بهشت باشند لیکن در حقیقت و لذت چیزی دیگر باشد و ثمره بهشت را دوازده گز طول باشد و هفتاد گز
فصل حق تعالی میفرماید وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
بدرستیکه تو بینی پرنده در بهشت و رغبت کنی در خوردن آن بیفتد پیش تو بریان شده و ابی امامه گفته
مردی در بهشت رغبت طیری کند افتد پیش او مثل شتر بختی برسیده بوی دود در آتش بستر ازان بخورد
تا که سیر شود باز آن پرنده بپرد رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند و بول نکنند
و آب دهن و آب بینی نیندازند طعامیکه خورند از آروغ و عرق بیرون رود بوی آن مثل بوی مشک
باشد و فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن و جماع کردن قوت صد مرد باشد
فرمود که مومنان را از طرف خدا هدایا آیند در اوقاتی که نمازها میخواندند و فرشتگان بر انها سلام گویند
فصل در بهشت نهرها باشد از آب و از شیر که متغیر نشود و از خمر و از عسل و چشمه باشد سلسبیل نام که
شدید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد زنجبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین
شرابهای بهشت است صرف ازان مقربان خورند و دیگران را ازان خلطی شود حق تعالی میفرماید وَ
مِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که
نهرهای بهشت از کوه مشک برایند و فرموده که نهرهای بهشت در غار نروند بر روی زمین روند کنار
شان از مروارید و خاک آن از مشک باشد و از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که در بهشت
نهریست که آنرا بیدح گویند بر وی قبها باشند از یاقوت زیر آن دختران باشند روییده مردم
برای سیر آنجا آیند و آن دختران را ببینند اگر دختری کسی را خوش آید دست خود بوی رساند

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر برند و در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید
یُفَجِّرُونَهَا تَفْجِیرًا یعنی اهل بهشت هرجا که خواهند آن نهرها را آنجا ببرند با اهل بهشت شاخ و درخت هم
از زیر آن قصیبها اشاره کنند همراه آن قصیبها نهرها جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت کرده
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که مسلمان را در تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحیق مختوم
در رحیق مختوم عبارت از خمر است که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صداع نشود
چنانچه در قرآن هست و عقل زائل نگردد چون اهل بهشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود
که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرموده که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد
اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خورانید او را حق تعالی جنیم جهنم
خوراند و هر که بخوف خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بر آن او را در حظیرة القدس خورانیده شود و در حدیث
وارد شده که در بهشت درخت باشد که از آن لباس بهشتیان برآید اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد
سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد و باریکتر و خوبتر ابن ابی حاتم از کعب احبار آورده که اگر پارچه بهشت را کسی
در دنیا پوشد چشمها دیدن آن را متحمل نشوند هر که آن را ببیند بیهوش شود و بمیرد و صابونی از عکره روایت کرده
که لباس بهشتی در یک ساعت هفتاد رنگ تبدیل شود و در صحیحین مرویست که آنحضرت فرموده هر که حریر در دنیا پوشد
در آخرت نپوشد اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا در ظرف زر یا نقره خورد در آخرت از آن نخورد

فصل در صحیحین ثابت است که مومن را زیور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که ادنی مروارید آن ما بین مشرق و مغرب روشنی دهد
و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن دهد او را از سندس و استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده هر که
مصیبت زده را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده هر که
ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد از حلها
ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از اهل بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بندها باشد
یکی از زر دوم از نقره سوم از مروارید از کعب احبار مرویست که حق تعالی فرشته پیدا کرده است که از روز

۱۲ مکان پاک

پیدا بیش خود تا روز قیامت زیور بهشتیان تیار میکنند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی بطائنها
من استبرق یعنی فرشهای بهشتیان را استر از استبرق باشد مرویست که گفته که ظواهر آن یعنی
ابرهای شان از نور باشد

فصل متکئین فیها علی الارائک یعنی تکیه زده بر اریکها نشسته اند اریکه را در هندی چهپرکهٹ گویند
که در زیر آن تخت یعنی چارپائی باشد و بالای آن حجله باشد مجاهد گفته اریکها باشند از مروارید و یاقوت
و زمرد **مصفوفة** یعنی تکیها باهم صف بسته از ابن عباس مرویست که خیمه از مروارید مجوف باشد
فرسخ در فرسخ چهار هزار تخته از زر در آن باشد **متقابلین** یعنی اهل بهشت رو برو بنشینند بعضی بعضی را
پشت ندهد و در صحیحین از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که خیمه یک مروارید مجوف باشد
که شصت کروه عرض آن باشد در هر گوشه از آن اهل خانه باشند بر اهل من که دیگر اهل خانه را ببینند و آن مومن بر همه آنها بگذرد

فصل در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که هر کس را در بهشت دو زوجه باشد و ترمذی بسند صحیح از انس
از آنحضرت روایت کرده که تزویج کرده شود مومن هفتاد زوجه گفتند یا رسول الله قوت هفتاد زن داشته باشد
فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی بلتعه و احمد و ترمذی از ابی سعید خدری
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هفتاد و دو زن باشند هفتاد از خلقت بهشت و دو زن
از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد نساء بکثرت بسیار آمده
شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن در روایت دو زن از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در حدیث صحیح
که آنحضرت زنان را گفت **اریتکن اکثر اهل النار** یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را گفتند
چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران مینمایید و نیز آنحضرت غرابها را
دیدند دران غرابها یکی بود سفید بازو ها سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند
این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و از بعض حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن
انجام شان به بهشت باشد و مراد **اکثر اهل النار دخولا لا خلودا** بدلیل آنکه علت دخول شان
در دوزخ کفر بخدا نفرموده بلکه اکثار یعنی کفران شوهر فرموده و محتمل که مراد آن باشد که هر کس را از امت محمدی

ع ۱ قوله از زنان مضاعف
یعنی نوبت بر یکها
نشستن و دخول

ع ۲ عاصل آنکه نموده شده
ای زنان اکثر دوزخی

ع ۳ یعنی زنان کمتر دوزخی
اند از روی دخول بهشت
از روی خلود در دوزخ

دوزن باشند گو از زنان امم سابقه باشند یا طفل مرده باشند از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت
دخول جنت جوان باشند در نکاح مردان مکلف داده شوند لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
از همه بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند روشنی
آفتاب را بپوشد و دامنی سزاوار دنیا و ما فیها بهتر باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در شب معراج
چون داخل بهشت شدم در موضعی که بَیْدَخ نام دارد در آن خیمه یاقوت و مروارید دیدم بر جد بود آواز زنان شنیدم
السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبرئیل این چه آواز ست گفت این مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ
اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنانیم راضی گاهی ناخوشی
نکنیم و همیشه باشند گان گاهی سفر نکنیم طبرانی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرموده که حوران بهشت از زعفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها
از مشک و زعفران و کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
صلی الله علیه وسلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب نماز و روزه حق تعالی
رویهای شان را نور بخشد و جسدهای شان را سفید و خوبی و مجامرشان از مروارید و شانهای شان از زر باشد ام سلمه
پرسید یا رسول الله زنی در دنیا دو شوهر کند یا سه یا چهار در بهشت کرا باشد فرمود که او را اختیار داده شود
پس اختیار کند نکوتر را از اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
مرد و آن زن شوهر دیگر کرد در بهشت باو دی جمع شود حق تعالی میفرماید اِنَّآ اَنْشَاْنٰهُنَّ اِنْشَآءً
فَجَعَلْنٰهُنَّ اَبْكَارًا عُرُبًا اَتْرَابًا یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد کرد
باکره و عاشقهٔ شوهر خود و همه زنان بیک عمر باشند و ترمذی و بیهقی از انس از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که پیر زنان کور چشم و چرگین چشم را حق تعالی جوان ابکار سازد و نیز همچنین ام سلمه
روایت کرده و دیگر احادیث آمده که اهل بهشت مرد و زن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

حق تعالی میفرماید حُورٌ عِینٌ یعنی سیاه چشم وکلان چشم کَاَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَکْنُونِ
یعنی مانند مروارید در صدف ومیفرماید خَیْرَاتٌ حِسَانٌ یعنی نیک خود خوشرو ابن مبارک از
اوزاعی روایت کرده نیک خو باشند زبان دراز بیهوده گو نباشند رشک یکدیگر نکنند ایذا ندهند
قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نه بینند وفرموده
کَوَاعِبَ اَتْرَابًا یعنی پستان نوخاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از انحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که خورشتی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بیهقی
از ابن عباس از ان سرور روایت کرده که اهل بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه
با صد زن جماع کنند وطبرانی از ابی امامه از انحضرت روایت کرده که آلات مجامعت مانده نشود
وشهوت منقطع نگردد وبزار وغیره از ابی سعید از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که
اهل بهشت با زنان خود جماع کنند باز زن باکره شود لیکن از جماع در جنت توالد نباشد واگر
کسی احیانا آرزوی ولد کند حمل وزادن وجوان شدن مولود در یک ساعت دست دهد کذا فی الزهدی
والبیهقی وغیرهما عنه صلی الله علیه وسلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از حورعین صحبت داشته باشد
ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری ست بهتر از اولی میگوید که ای
ولی خدا آیا مرا با تو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه
وهمچنین وهمچنین رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را
در خلائق طلب کند ومختار سازد در حوران هر کرا خواهد بگیرد وفرموده که سه چیز اند هر کسی را یکی ازان
باشد او را حورعین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا ادا کند وخیانت نکند وکسی که قاتل
خود را نبخشد وکسیکه بعد هر نماز سورهٔ اخلاص خواند وفرموده مهر حوران قبضهای خرما وپارچهای
نان ست یعنی انچه بدرویشان بدهد وفرمود جارو کشی مساجد مهر حوران ست وفرموده که بهشت
زینت میگیرد از سالی تا سالی برای ماه رمضان وحوران زینت میگیرند از سالی تا سالی دیگر برای ماه رمضان
چون رمضان داخل شود بهشت گوید الهی بگردان در ینماه از بندگان خود ساکنان در من وحوران

گویند الهی برگردان از بندگان خود برای ما شوهران که سیر و شود چشم ما از ایشان و چشم ایشان از ما و فرمود
در بهشت حور باشد عینا بهفتاد هزار غلام بر دست راست و همچنین بر دست چپ او راه روند
و بگوید کجا باشند امر کنندگان بمعروف و نهی کنندگان از منکر و فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا کند
زن او از حوران گوید ایذا مده این را که مهمان ست نزد تو قریب ست که از تو جدا شده بسوی ما آید حوران بهشتی را انگیخته شود
که بخواهید که شوهر خود را ببینید گویند آری آنگاه پرده ها از میان برداشته شود او را ببینند و اشتیاق ملاقات تمام
فصل از ابی هریره و ابن عمر و غیره مرویست که حوران با آواز خوش سرود کنند کسی نشنیده باشد
مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ نحن حور حسان
اهدینا لازواج کرام و نحن الخالدات فلا نموت و نحن الراضیات فلا نسخط
و نحن الامنات فلا نخاف و نحن المقیمات فلا نظعن و در حدیث ست که اگر اهل بهشت رغبت سرود
کنند باو را حکم شود که درختهای سبز درختان که از مروارید ست درآیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها
خوش سرایند و درختان را حکم شود که بندگان من که خود را در دنیا از معازف و مزامیر باز داشته بودند
آنها را بشنوانند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس برآید و نیز ملایکه آوازهای خوش
به تسبیح و تقدیس گویند و گویند لا خوف علیهم و لا هم یحزنون و نیز در حدیث آمده که داود
علیه السلام را حکم شود و آن حضرت با آواز خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم آورده که فرموده که هر که در دنیا سرود نشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان و حوران اهل بهشت بشنود
فصل ظروف در بهشت از زر و از نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی کانت قواریرا
قواریر من فضة همین معنی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نباشد
هر کس را از اهل بهشت هفتاد ظرف از زر و نقره پیش آورده شود در هر یک رنگی از طعام باشد که در دیگر نباشد
فصل مردم که داخل بهشت شوند غداوتهای شان که در میان باشد دور شود و باهم دوست
و محب شوند ادنی اهل بهشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنجهزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از
ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امرد باشند در قرآن ست که ملائکه در بهشت داخل شوند و بر مومنان سلام گویند

در بهشت کذب و لغو و هزل و شتم و مانند آن نباشد مردی پرسید یا رسول الله در بهشت اسب باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر گاه سواری اسب خواهی اسبی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را پر باشد ببرد با تو و هر جا که خواهی رساند دیگری گفت یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم تو را لذت دهد مهیا باشد

فصل در بهشت بازار باشد که در آن بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان در آن باشند هر صورت که کسی را خوش کند همدران صورت گردد طبرانی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده در جنت عدن سوای انبیا و شهدا و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن انچه در خطره کسی هم نگذشته باشد و نگیرد که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که در آن رویت حق تعالی دائمی باشد مسلم از انس از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در بهشت بازار باشد در آن تودهای مشک باشد رود جمعه مردم در آنجا روند باد شمال بر آنها وزد مشک بر رویهای و پارچهای ایشان افشاند حسن و جمال زیاده شود چون نزد اهل خود روند آنها گویند والله شما حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که طیور در بهشت مثل شتر بختی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و از ان هر لذت خورد باز آن طایر بپرد و برود در بهشت با هم ملاقات نمایند بر شترها سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه سرگین و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درجتی باشد که از بالای آن حلها و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینهای شان و باگهای شان از مروارید یاقوت باشد و آنها را پر باشد و آنها قدم نهند جائیکه بصر رسد اولیاء الله بران سوار شوند و بگزرند و دیگر دم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نورشان نورهای ما را فرو نشانده فرماید که اینها در راه خدا انفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما می نشستید بیهقی از مجاهد و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی[1] وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا گفته که مراد از ملک کبیر آنست که فرستاده رب العزت تحفها و لطفها برای او دوبوی رسد تا که اذن دخول طلب کند از حجاب آن حاجب دیگر و همچنین پس اذن دهد ولی الله بدخول و هر گاه آن ولی خواهد ای اذن پروردگار خود مشرف شود فقیر گوید این از انجاست که حق تعالی اقربست از حبل الورید و حجب غفلت درمیان نیست که حضور دائمی دارد

[1] هرگاه نظر کنی در انجا نعیم بسیار و ملک کلان را

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که اهل بهشت یکصد و بیست صف باشند از انجمله هشتاد صف از امت من و چهل از دیگر امم دیلمی و ابن عساکر از جابر روایت کرده که مومنان هر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخواهند از من هر چه خواهند مردم بعلما رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما وجوه سوال آموزند پس مردم بعلما در بهشت هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که اهل بهشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا دران ذکر خدا نکرده باشند ابن عساکر از امیر المومنین علی رضی الله عنه از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بوی بهشت بر هزار ساله راه میرسد و بوی بهشت عقوق کننده والدین را و قاطع رحم را و پیرزانی را و کسیکه ازکبر دامن دراز کند نرسد

فصل اهل بهشت در بهشت با برادران و یاران و دوستان ملاقاتها کنند و ماجراهای دنیا یاد کنند بزار و بیهقی و غیرهما از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون بهشتیان داخل بهشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تخت یکی مقابل تخت دیگری آید و باهم سخن گویند انچه در دنیا گذشته بود و اهل بهشت دوزخیان را هم ببینند و هرگاه بهشتیان خواهند پیغمبران و اصحاب درجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابو نعیم وغیره از عائشه رضی الله عنها روایت کرده که مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست تر میدارم وچون بخانه میروم بی تو صبر نمیتوانم کرد تا که بخدمت می آیم لیکن چون مردن خود و مردن تو خیال میکنم می ترسم که تو در بهشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر ببهشت رسم ترا نبینم آن حضرت جواب نداد تا که جبرئیل نازل شد و این آیت آورد وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ الآیة احمد و طبرانی از ابی هریره و معاذ بن جبل رضی الله عنهما از انحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که هر که در بهشت شود یعنی در دنیا صغیر باشد یا کبیر همه شان امرد باشند یعنی بر تمام بدن شان موی نباشد و امرد باشند نی ریش و بعمر سی و سه سال باشند یکسان نه کم نه زیاده و در چشم سرمه کشیده و ابن ابی الدنیا از ابن عباس آورده

که در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگر پیغمبران باشد و از کعب احبار مرویست
که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگر پیغمبران باشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را
و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع اهل بهشت
جماعتهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی
از ابن عباس آورده که زبان اهل بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبور برایند زبان شان عبرانی
باشد و در بهشت زبان عربی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقرا و اکثر اهل جهنم زنان و بزار از انس از آنحضرت صلی الله علیه
وسلم روایت کرده که اکثر اهل بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
و ذهبی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و از هری گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتها که دلهای شان مثل دلهای پرندگان
باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم مرویست که حق تعالی اهل بهشت را گوید که شما راضی شدید گویند چرا راضی نشویم که ما را نعمتها
دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا ندادم شما را انچه ازین همه افضل ست گویند
ازین افضل چه باشد فرماید که از شما راضی شده ام که گاهی ناراض نشوم

فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا و رافضی و خوارج و معتزله ازان انکار
ازند اهل سنت و جماعت بدان مهتدی شده اند حق تعالی میفرماید وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ إِلَىٰ
رَبِّهَا نَاظِرَةٌ و میفرماید لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ مراد از حسنی بهشت ست و از
زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیت باینمعنی از هر چهار خلفای راشدین و ابی بن کعب و کعب بن عجره
و ابن مردویه و انس و ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود و غیره مرویست و رسول
فرمود صلی الله علیه وسلم قریبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید ماه را
در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب درمیان نباشد یحیی بن سعید گفته که در رویت حق تعالی

۱ بعضی اوقیا در روز تازه باشند و سیر پروردگار خود نظر کنند ۱۲
۲ آثار این را انبیا گاهی گذشته حالت نیست باشد و زیادتی این ۱۲

هفتده حدیث صحیح وارد شده و اجماع امت بران منعقد گشته انکار آن کفر ست ذکر احادیث رویت
بسیار طول دارد وقتیکه بدولت دیدار مشرف شوند جمیع نعمتهای بهشت از نظر ساقط گردد از عجایب
مرویست که اینجه در دنیا روز عید باشد مردم برایند بچنهای بهشت و خدارا نه بینند یعنی در سالی
یکدیار و در بعضی احادیث آمده که در هفته یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه باشد
و در بعضی احادیث آمده در هر پنجروز یکبار و بیهقی از اعمش روایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد
که هر صبح و هر شام بیند و ابو نعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بندگان خاص حق تعالی
چنان باشند که اگر یک آن از رویت محجوب شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان برای خروج از دوزخ فریاد کنند
فائده از امیر المومنین علی رضی الله عنه مرویست که در تفسیر قوله تعالی فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ
رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا فرموده
هر که خواهد خدارا بیند باید که عمل صالح کند و کسی را بران آگاه نازد و خبر نکند
فصل بعضی علما گفته اند که رویت حق تعالی مخصوص ببشرست ملائکه را نخواهد شد لیکن بیهقی ملائکه
را هم رویت اثبات کرده از عمرو بن عاص روایت کرده که حق تعالی ملائکه را پیدا کرده چندین صنف
همه شان همیشه در عبادت قائمند تا روز قیامت چون روز قیامت شود برانها حق تعالی تجلی کند پس
به بینند حق تعالی را و بگویند مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ و نیز از مروی از اصحاب از انحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدا می لرزد شانهای
شان نیست از انها فرشته که میریزد قطره آب از چشم مگر از ان قطره فرشته می آید که تسبیح میکند
از فرشتگان از روزیکه پیدا شده اند در سجود اند سر از سجود نبر دارند تا روز قیامت و بعضی صنف بسته
استاده اند از ان حرکت نکرده تا روز قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدا را بینند
گویند سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ كَمَا يَنْبَغِي یعنی پاکیست مرترا عبادت نکردیم ترا چنانچه شاید
فصل کفار از جن و انس در دوزخ باشند باتفاق و در مومنان از جن علمارا اختلاف ست بعضی گویند
ایشان را دخول بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

جن نیز داخل بهشت شوند و داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن عائشه که مومنان جن را ثواب
و کافران ایشان را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خلقکم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها وانزل لکم من
الانعام ثمانیة ازواج یخلقکم فی بطون امهاتکم خلقا من بعد خلق فی ظلمات ثلث ذلکم الله ربکم له الملک
لا اله الا هو فانی تصرفون وقال الله تعالی حکایة عن ابلیس لاغوینهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین
وقال الله تعالی حکایة عن ابلیس لاملئن جهنم منک واممن تبعک منهم اجمعین وقال الله تعالی حکایة عن
الجن وانا منا الصالحون ومنا دون ذلک کنا طرائق قددا وانا ظننا ان لن نعجز الله فی الارض ولن نعجزه
هربا وانا لما سمعنا الهدی آمنا به فمن یؤمن بربه فلا یخاف بخسا ولا رهقا وانا منا المسلمون ومنا القاسطون
فمن اسلم فاولئک تحروا رشدا واما القاسطون فکانوا لجهنم حطبا
حضرت ابو انس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد و بر ایشان عذاب
باشد سوال کردیم از ثواب آنها گفت مومنان ایشان از اعراف باشند و بهشت نیابند محمد صلی الله علیه وسلم باشند
پرسیدیم که اعراف چیست گفت موضعی است میان بهشت و دوزخ و ایشان در آنجا باشند تا آنکه حق تعالی
در حق ایشان هر چه خواهد بکند پرسیدند که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید وما خلقت الجن
والانس الا لیعبدون وقال الله تعالی حکایة عن ابلیس لاملئن جهنم منک واممن تبعک منهم اجمعین وقال الله
تعالی حکایة عن الجن وانا منا المسلمون ومنا القاسطون
و حضرت علی رضی الله عنه از ابن عباس روایت کرده که جن چهار قسم اند یک قسم ایشان مانند بادند
و یک قسم ایشان مانند سگان و یک قسم ایشان مانند شیاطین اند و دو قسم ایشان بعضی در بهشت و بعضی در دوزخ
و حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم گفته که جن داخل بهشت شوند برای جن جنیات باشند و برای انس انسیات

الحمد لله رب العالمین خالق الجن والانس
والصلوة والسلام علی محمد النبی
الختام تمام بعون الملک العلام
علی ید العبد الضعیف
الاحقر

خاتمة الطبع بس از سپاس آفریندهٔ سبحانه و تعالی و نعت و مدح جزا دهندهٔ عباد و درود و سلام شامل کل و مقام
محمود بر رسل عاصیان از میان بخشش و دود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان گزار از بلای
پل چون برق گذران نموده می آید که چنانچه تذکرهٔ احوال موتی و بیان شدائد قبور باعث اقدام بر طباعت اعراس نجور
همچنین تذکرهٔ ابدال آخرت معاد و امید دیدم ثواب عظیم یوم الدین و علت گزاشتن موجبات وقوع در نیران و مرتکب
اسباب حول و چنان ست نظر بوجه پیشین پیش ازین رساله مستطاب **تذکرة الموتی و القبور** بطبع درآمد جلوه فرمائے
جهان گردیده اکنون نظر بوجه پیشین برحسب ایفای وعدهٔ سابقه که در خاتمهٔ رساله موصوفه مطبوعه بیان تحریر پوشیده بود
کتاب هدایت نصاب **تذکرة الاعداد** از افادات جناب علم الله حفظه الوری مولانا قاضی محمد
قدس سره به تصحیح تمام و تنقیح مالا کلام و ترجمه عبارات عربیه و ثبت حواشی ضروریه باهتمام امید وار افضال ایزد متعال
محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان منظور در مطبع نظامی واقعه کانپور بطبع الاسر ۱۲۸۰ هجری
پرتو طبع در پرکشیده رغبت افزای دیدار ان بلاغت و اعراس فرمای گنهکاران از معصیت گشته هر گاه ناظران
چشم بصیرت برین شاهد زیبا بکشایند و درین دل را بدیدارش نور و سرور افزایند خاصه خاطر نشان دولت خاص بهادر و اعانت
حسن خاتمه مسنون فرمایند چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب مجلس سره الشی تمام و ادر خصوصا
تفسیر مظهری که بنگی همت و جهلی نعمت خواهان طبعش میباشد فارسیان عصر را این امر اهمیت فی دیگر نبود لهذا
توجه دلی را در دعا کار خواهندگان اسباب طبعش را لازمی فرموده آن عمده را
مطبوعه وقت بر منصهٔ کثرت بجلوه گری نشانده دیده ارزومندان دیدارش را نور افگین سازد آمین
آمین رب العالمین و الصلوٰة و السلام علی سید المرسلین محمد و آله و اصحابه و ازواجه اجمعین

وجه ختم بر خاتمه برای سند این است که این کتاب مطبوع مطبع نظامی است محرر و مسطر مهتمم نموده شد

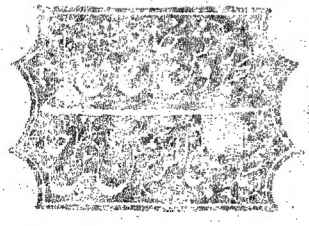

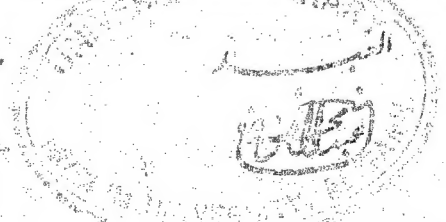

CALL NO. ١٦٧٥٣ / ش ا م ت / ش ا م

ACC. NO. ١٢٣٤٦

AUTHOR

TITLE نزهة الفؤاد

Date	No	Date	No.

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.